

استناد: عبدالرحیمی، محمد؛ رضا زاده، اکبر (۱۴۰۰). الگوی مفهومی آموزه‌های دنیاشناختی امام علی(ع) و راهکارهای تعامل با دنیا. ۱۸ (۵۷) صص ۳۱-۷۶  
DOI: 10.22034/init.2021.96902

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۹  
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱  
مقاله: پژوهشی  
صفحه ۳۱-۳۲

## الگوی مفهومی آموزه‌های دنیاشناختی امام علی(ع) و راهکارهای تعامل با دنیا

محمد عبدالرحیمی<sup>۱</sup>

اکبر رضازاده<sup>۲</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** شناخت دنیا یکی از شاخه‌های علوم دینی و از جمله مهم‌ترین وظایف هر دینداری است که بدون این شناخت، امکان تعامل درست با دنیا فراهم نمی‌شود. بر اساس چنین ضرورتی، مقاله حاضر به دنبال تبیین حقیقت دنیا بر اساس کلام امیر مؤمنان علی(ع) و طراحی الگوی مفهومی مبتنی بر آموزه‌های دنیاشناختی آن حضرت است.

**روش:** این پژوهش با رویکرد کیفی و روش داده‌بنیاد، اسناد مربوط به بیانات امام علی(ع) در مورد دنیا را بررسی کرده است. کلام امیر مؤمنان به‌عنوان جامعه تحقیق و روایات ناظر به اهداف پژوهش، به‌عنوان نمونه تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. سازماندهی مطالب با نرم‌افزار «سیتاوی» و کدگذاری با نرم‌افزار «مکس کیودا» انجام شد. برای احصای محورهای اصلی آموزه‌های دنیاشناختی علوی و ایجاد الگوی مفهومی، فرایند سه‌مرحله‌ای کدگذاری: الف) تعیین نشانه‌ها در اسناد؛ ب) استخراج مفاهیم از نشانه‌ها؛ ج) استخراج ابعاد و تعیین محورهای اصلی از مقوله‌ها، طی شد.

**یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** با مطالعه بیانات امام علی(ع) روشن شد که الگوی مفهومی مبتنی بر آموزه‌های دنیاشناختی آن حضرت، در چهار محور اصلی ترسیم می‌شود که عبارت‌اند از: ۱) ماهیت‌شناسی دنیا؛ ۲) معرفی دنیای ممدوح؛ ۳) معرفی دنیای مذموم؛ ۴) ارائه راهکارهای مقابله با دنیا و اتخاذ رویکردی درست نسبت به آن. همچنین، تحلیل محتوای کلام امیر(ع) نشان داد که بیشترین تأکید آن حضرت بر «شناخت درست دنیا» بوده است که به‌عنوان پیش‌نیاز اصلی برای «اتخاذ رویکرد و رفتار درست نسبت به دنیا» مطرح می‌شود. بدین ترتیب بر اساس یافته‌های تحقیق، می‌توان گفت که کوشش در راه دنیاشناسی و عمل بر طبق این شناخت، تکلیفی اجتناب‌ناپذیر برای همه پیروان آن حضرت است.

**واژه‌های کلیدی:** دنیا، دنیاشناسی، آموزه‌های دنیاشناختی علوی.

۱. عضو هیات علمی، دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) m.abdolrahimi32@gmail.com

۲. عضو هیات علمی، دانشگاه علوم انتظامی امین. akbarrezazadeh21@yahoo.com

## مقدمه

بنا به کلام امام علی (ع) که ریشه هر شرّی را «جهل» معرفی نمود: «الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۳) و ریشه هر خیرِی را «علم» دانسته است: «الْعِلْمُ أَصْلُ كُلِّ خَيْرٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۷۱) می‌توان نتیجه گرفت که ریشه اصلی همه اشتباه‌ها و گرفتاری‌های بشر، همانا «جهل» و «نادانی» است. در واقع، رفتارهای انسان‌ها نشان‌دهنده نوع انتخاب‌های آنان است که البته هر انتخابی ریشه در میزان شناخت و معرفت دارد. این سخن را می‌توان در یک فرایند سه مرحله‌ای چنین مطرح نمود:

شناخت‌ها ← انتخاب‌ها ← رفتارها (دانش ← گزینش ← کنش)

بر اساس چنین قاعده‌ای می‌توان گفت که در هر موضوعی دانش‌افزایی، آگاهی‌سازی و معرفت‌بخشی، بنیادی‌ترین سنگ‌زیربنای اصلاح‌گزینش‌ها و کنش‌های آدمی، و نخستین گام برای اصلاح هر فرد یا جامعه‌ای است. با توجه به چنین دیدگاهی بوده که «تعلیم» مهم‌ترین گام تربیت و حتی بخش اعظم تربیت به شمار آمده و یکی از اهداف بعثت رسولان الهی معرفی شده است:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه، ۲) «اوست که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را [از آلودگی‌های فکری و روحی] پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، و آنان به یقین پیش از این در گمراهی آشکاری بودند».

خدای متعال به رسولش فرمان می‌دهد که مردم را از راه «دانش‌افزایی و معرفت‌بخشی» به سوی خدا فراخواند:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ...» (نحل، ۱۲۵)

«[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] بپرداز...».

۱. امام صادق (ع) به عینیت «علم» با «نور» اشاره فرموده است: «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ» (مصباح‌الشریعه: ۱۶).

بدین ترتیب، می‌توان گفت که خارج کردن آدمیان از تاریکی جهل و هدایت آنان به سوی نور علم و افزایش شناخت آنان در هر زمینه و موضوعی، منجر به اصلاح انتخاب‌ها و به تبع آن اصلاح رفتارهای آنان خواهد شد. در مورد موضوع دنیا نیز می‌توان گفت انسان‌هایی که دنیاشناسی و جهان‌بینی درستی ندارند و این دنیا را «آنگونه که هست» نمی‌بینند، دچار مشکلات فراوانی در تعامل با دنیا می‌شوند از جمله: حسرت‌ها، اندوه‌ها و غصه‌های فراوان دنیوی، ابتلا به تنش‌ها و استرس‌ها و مبتلا شدن به انواع بیماری‌ها و فشارهای روانی، انواع بیماری‌های اخلاقی (حرص‌ها و حسادت‌ها، کبرها و غرورها)، گرفتاری در هواهای نفسانی (طغیان شهوت و غضب) و ... که این همه، افزون بر سوق دادن انسان به سوی اتخاذ تصمیم‌های نادرست و ارتکاب خطاهای متعدد در عرصه زندگی دنیوی، باعث می‌شوند که انسان اسیر و برده دنیا شود و فرصت طلایی رشد در دنیا را از دست بدهد. روند رایج در روزگار معاصر به گونه‌ای رقم خورده است که برخورداری از مال و مقام دنیایی و رقابت برای دستیابی به امور دنیوی، تبدیل به یک ارزش عمومی و فرهنگ غالب برای مردم شده است؛ مسلماً چنین رویکردی نسبت به دنیا و زندگی دنیوی، منجر به فراموش کردن معنویات و تحقیر آخرت نیز می‌شود؛ همچنین از سوی دیگر، غصه خوردن برای امور دنیوی و حسرت نداشته‌ها را افزایش می‌دهد و آن را به دردی مزمن و پنهان تبدیل می‌کند که باعث می‌شود تعداد زیادی از افراد در جوامع صنعتی، اگرچه در ظاهر سالم به نظر می‌آیند اما از نظر باطنی، دچار دردهای پنهان و بیماری‌های مختلفی باشند و مجموعاً انسان سالمی نباشند. بر این اساس، درک درست حقیقت دنیا و اتخاذ رویکردی صحیح نسبت به آن، یکی از مهم‌ترین معارفی است که هر انسانی باید تحصیل نماید تا بتواند از این میدان لغزنده دنیا، به سلامت گذر کند و دچار آسیب‌های گوناگون آن نگردد.

مقاله حاضر مبتنی بر این فرض است که بسیاری از مشکلات یادشده ناشی از «دنیاشناسی» به معنای شناختن ماهیت حقیقی دنیا و در نتیجه گم کردن هدف زندگی دنیایی است و درمان آن «بهره‌مندی از آموزه‌های دنیاشناختی مبتنی بر کلام معصوم» است. از این رو ارائه یک الگوی نظری و ذهنی ساده و قابل درک از دریای بیکران آموزه‌های علوی، دستور کار این مقاله قرار گرفت تا ان شاء الله

مرهمی شفا بخش برای بسیاری از دردها و بیماری‌های آشکار و پنهان انسان امروزی فراهم گردد. بر این اساس مقاله پیش رو، در پی برداشتن گامی در جهت دانش افزایی و طراحی یک الگوی مفهومی در حوزه دنیاشناسی بر اساس کلام مولای متقیان علی (ع) است.

### پیشینه تحقیق

قادری بی‌باک و همکاران (۱۳۹۷) که معتقدند کلام امیر مؤمنان سرشار از استعاره‌های شناختی است در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل استعاره‌های شناختی نهج البلاغه در حوزه دنیا و آخرت» به بررسی استعاره‌های شناختی سخنان امیر مؤمنان درباره دنیا و آخرت پرداخته‌اند و حوزه‌های مفهومی سفر را برای سخن گفتن درباره دنیا و آخرت - حرکت از مبدأ دنیا به مقصد آخرت - مورد تحلیل قرار داده‌اند که استعاره‌ها می‌توانند انسان را از فریفته شدن به دنیا برحذر دارند و به آخرت ترغیب کنند.

هدائی و هدائی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به زبان انگلیسی با عنوان «دنیا و آمادگی برای مرگ از دیدگاه امیر المؤمنین علیه السلام» کوشیده‌اند با تمرکز بر سخنان امیر مؤمنان (ع) مسئله مرگ زوال‌پذیری انسان در دنیا را تشریح کنند.

میرزاحمد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «دنیا در مکتب موعظه‌ای امام علی (ع)» به اهمیت شناخت صحیح و اصولی از دنیا و اصلاح سبک زندگی با رویکردی درست نسبت به آن اشاره کرده است و این نکته را یادآوری می‌کند که در تفسیر امام از دنیا، جهان برای انسان است نه انسان برای جهان؛ و منظور از این مطلب، ارج نهادن به ارزش‌های انسان است نه بی‌اعتبار کردن ارزش‌های جهان. در این مقاله سعی شده است دنیا در فرهنگ حیات بخش علوی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و در این راستا، از مسائلی چون رابطه انسان و جهان، مدح و ذم دنیا، مفهوم علاقه به دنیا، و تضاد دنیا و آخرت سخن به میان آمده است.

قائمی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تصویر استعاری دنیا در خطبه‌های نهج البلاغه» بیان کرده‌اند که «دنیا» یکی از موضوعات اصلی و محوری در نهج البلاغه است و امام علی (ع) خلأیت، ابتکار و فصاحت بی‌بدیل خویش را در ارائه تصاویر استعاری از آن، به نمایش گذاشته به طوری که



استعاره‌های آن حضرت در موضوع دنیا از خیال و ابتکاری بی نظیر برخوردار است. بررسی مطالعات مرتبط با موضوع این مقاله، نشان داد که هیچ‌کدام از محققان در صدد ارائه یک الگوی مفهومی و منسجم ذهنی، برگرفته از آموزه‌های دنیاشناختی امام علی (ع) برنیامده‌اند.

### روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش داده‌بنیاد<sup>۱</sup> اسناد مربوط به بیانات امام علی (ع) را در مورد دنیا بررسی کرده است. روش نظریه داده بنیاد بر کشف مقوله‌های مربوطه و نیز توصیف روابط موجود در بین این مقوله‌ها به‌منظور ایجاد نظریه تأکید دارد (استراس و کوربین، ۱۹۹۸). روش غالب تحلیل داده‌ها در نظریه داده‌بنیاد، تحلیل مقایسه‌ای پیوسته<sup>۲</sup> است. در این شیوه رسیدن به الگوی مفهومی نظری مبتنی بر داده‌ها، از سه مرحله اصلی کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده می‌شود که توسط استراس و کوربین (۱۹۹۸) تبیین شده است. کلام امیر مؤمنان به‌عنوان جامعه تحقیق و روایات ناظر به اهداف پژوهش، به‌عنوان نمونه تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. سازماندهی مطالب با نرم‌افزار «سیتاوی» و کدگذاری با نرم‌افزار «مکس کیودا» انجام شد. برای احصای محورهای اصلی آموزه‌های دنیاشناختی علوی و ایجاد الگوی مفهومی، فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی یا به تعبیر دیگر: الف) تعیین نشانه‌ها در اسناد؛ ب) استخراج مفاهیم از نشانه‌ها؛ ج) استخراج مقوله‌ها یا ابعاد و سپس تعیین محورهای اصلی، طی شده است. به‌تعبیر دیگر در مرحله نخست که کدگذاری باز است، نشانه‌ها یا کدهای موجود در داده‌ها استخراج شدند؛ در مرحله دوم که به کدگذاری محوری معروف است، نشانه‌ها یا کدهای استخراج شده تحت مفاهیم یا عناوین فراگیرتری دسته‌بندی شدند و در مرحله سوم که کدگذاری انتخابی نام دارد، روابط بین مفاهیم کشف شده، در قالب ابعاد اصلی مطرح شدند.

الگوی مفهومی آموزه‌های دنیاشناختی امام علی (ع) و راهکارهای تعامل با دنیا

1. Grounded Theory.
2. Strauss, A. & Corbin, J.
3. Constant Comparative Analysis.

### یافته‌های تحقیق

«دنیا» مؤنث آدنی، به دو معنای «نزدیک» و نیز «پست و پایین» آمده است. اگر ریشه کلمه دنیا را از «دُنُو» بگیریم به معنی عالم نزدیک‌تر میشود (عالمی که پیش چشم و در دسترس ماست) و اگر از ریشه «دنی و دنائت» بگیریم به معنی سطح پایینتر و مرتبه پستتر میشود (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۲/۱).

از یک منظر دیگر می‌توان گفت عالم هستی ذومراتب و ذوجهین (ظاهر و باطن) است؛ برای نمونه از آیه: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم، ۷) «از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند، و حال آنکه از آخرت غافل‌اند» (فولادوند، ۴۰۵) میتوان نتیجه گرفت که «دنیا»، مرتبه ظاهری این عالمی است که انسان در آن زندگی میکند و «آخرت» مرتبه باطن آن است؛ بدین ترتیب آخرت بعد از دنیا نیست بلکه با آن و باطن آن است (سهرابی و عبدالرحیمی، ۱۳۹۹). از سوی دیگر، «شناخت» برای انسان، در سه حوزه خودشناسی، خداشناسی و جهان‌شناسی مطرح می‌شود؛ و خودناشناسی، خداشناسی و جهان‌شناسی، عوارض و مشکلات و ویژه‌های رادر پی دارند (عبدالرحیمی، ۱۳۹۹). شایان ذکر است که منظور ما از «شناخت» کسب سواد نیست بلکه به دست آوردن «علم» و «کشف حقیقت» است که در اصل یکی از کارکردهای عقل است و امری خیالی یا وهمی نیست. در منطق نیز، که دانشی است برای پیشگیری ذهن از خطاهای فکری<sup>۱</sup> «علم» را به «حضور صورت شیء در عقل» یا «نقش بستن صورت شیء در عقل» تعریف کرده‌اند (مظفر، ۱۳۸۷: ۲۵/۱) و تصریح شده است که «جهل مرکب علم نیست» (مظفر، ۱۳۸۷: ۳۳/۱). بدین ترتیب به هر حرکت ذهنی که باعث تصورات باطل و گرفتاری در جهل (جهل بسیط یا مرکب) شود، شناخت و علم گفته نمی‌شود. بر این اساس «شناخت دنیا» یعنی «کشف حقیقت دنیا»؛ و کسانی که تصوراتی از دنیا دارند که منطبق بر حقیقت دنیا نیست، در واقع دنیا را نمی‌شناسند و گرفتار جهل هستند، حتی اگر دانشمند علوم طبیعی باشند. با توجه به ضرورت پرهیز از چنین لغزشگاه‌های فکری، می‌توان گفت که ایمن‌ترین و عاقلانه‌ترین راه شناخت و تعلّم، توسل به شناخت و تعلیمات

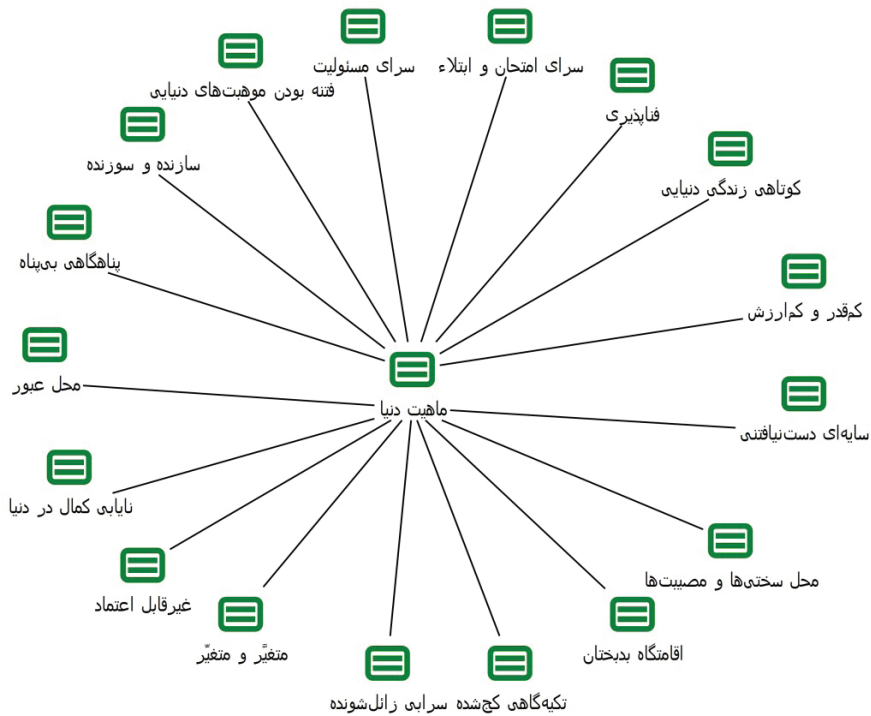
۱. علم منطق چنین تعریف شده است: «أَلَهُ قَانُونِيَّةٌ تَعَصَّمُ مِرَاعَاتَهَا الذَّهْنَ عَنِ الْخَطَا فِي الْفِكْرِ» (مظفر، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

معصومان علیهم السلام و بهره‌مندی از علم لدنی آنان است. بر این اساس، به‌منظور شناخت حقیقت دنیا و ماهیت واقعی و درک هدف اصلی از زندگی دنیوی، کلام امیر جزو برترین کلام‌ها است که پرده‌های توهم را می‌برد و حقیقت دنیا را آشکار می‌سازد. در ادامه سخن، یافته‌های تحقیق مبتنی بر آموزه‌های دنیاشناختی علوی ارائه می‌شود.

### ماهیت دنیا

آنچه از مطالعه کلام مولای متقیان علی (ع) در مورد «ماهیت دنیا» استخراج شد، در نمودار (۱) ارائه شده است.

الگوی مفهومی آموزه‌های دنیاشناختی امام علی (ع) و راهکارهای تعامل با دنیا



نمودار (۱) ماهیت دنیا در کلام مولای متقیان علی (ع)

## - دنیا فانی شونده و ناپایدار

فناپذیری دنیا یکی از ویژگی‌های ماهوی این دنیا است. این دنیا و هر آنچه در آن هست زمانی نیست خواهد شد چنانکه در قرآن نیز آمده: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (رحمن، ۲۶) «همه آنان که روی این زمین هستند، فانی می‌شوند».

مولای متقیان تذکر می‌دهد که دنیا فانی شونده و ناپایدار است: «الدُّنْيَا فَانِيَةٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۳). و سرانجام کار این دنیا نابودی است: «غَايَةُ الدُّنْيَا الْفَنَاءُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۳). دنیا خانه‌ای است که از همان آغاز با رنج ساخته می‌شود و در پایان با [حسرت و اندوه] شاهد نابودی هر آنچه ساخته‌ایم خواهیم شد: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ أَوْلَاهَا عَنَاءٌ وَ آخِرُهَا فَنَاءٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷). در واقع هر چه دنیایی باشد تاریخ انقضا دارد: «لِكُلِّ شَيْءٍ مِنَ الدُّنْيَا انْقِصَاءٌ وَ فَنَاءٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۳).

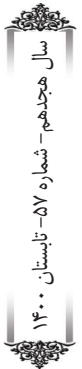
مولا علی (ع) به این نکته ظریف اشاره فرموده است که حتی اگر - بر فرض محال - دنیا از برای تو باقی بماند، تو از برای آن نمی‌توانی باقی بمانی: «الدُّنْيَا مُتَنَقِّلَةٌ فَانِيَةٌ إِنْ بَقِيَتْ لَكَ لَمْ تَبْقَ لَهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۳).

## - دنیا محل عبور

دنیا گذرگاه آخرت است: «الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۷). حضرت علی (ع) می‌فرماید: همانا دنیا سرای موقت و گذرگاهی بیش نیست در حالی که آخرت محل سکونت و قرار است. پس ای مردم! از این گذرگاه خود برای رفاه و آسایش خانه استقرار خود توشه‌هایی بگیرید: «إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ وَ الْآخِرَةُ دَارٌ مُسْتَقَرٌّ فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمُسْتَقَرِّكُمْ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۸).

## - دنیا سایه‌ای دست نیافتنی

حضرت علی (ع) در تمثیلی قابل تأمل، دنیا را به سایه انسان تشبیه کرده است که هرگز نمی‌توانی آن را بگیری؛ وقتی می‌ایستی می‌ایستد و اگر به طرفش بروی نمی‌ایستد و از تو دور می‌شود:





«مَثَلُ الدُّنْيَا كَطَلِّكَ إِنَّ وَقَفْتَ وَقَفَّ وَ إِنْ طَلَبْتَهُ بَعُدَّ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۹)؛ «مَثَلُ دُنْيَا مِثْلُ سَائِيهِ تَوَسَّتْ كَمَا أَنَّ الْبَيْتَ إِذَا تَوَسَّتْ لَمْ يَبْقَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴). تعبیر به لفظ «ظَلٌّ»

دنیا سایه‌ای زائل‌شونده است: «الدُّنْيَا ظِلٌّ زَائِلٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴). تعبیر به لفظ «ظَلٌّ» که به معنی سایه است، اشاره دارد به اینکه پیش از زوال نیز دنیا را در حقیقت وجودی نبوده و به منزله سایه‌ای بوده که از نبود نور حاصل شده است و تنها گمان می‌شود که موجود بوده است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۸۴/۱).

«إِنَّ الدُّنْيَا ظِلٌّ الْعَمَامِ وَ حُلْمُ الْمَنَامِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ «همانا دنیا سایه ابر است (یعنی بی ثبات است) و احتلام در خواب [ممکن است که «حلم المنام» به معنی خواب خوابگاه باشد]» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۶۴۴/۲).

#### - دنیا سرابی زائل‌شونده

تمثیل دنیا به سراب، تمثیلی زیبا برای توصیف دنیا در کلام مولا است:

«إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ أَيَّامٍ قَلِيلٍ ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴)؛ همانا دنیا نیست مگر متاعی (منفعت یا چیزی که به آن بهره‌مند شوند) چندروزه که بعد از آن زایل می‌شود چنانکه سراب زایل می‌شود.

#### - دنیا سرای امتحان و ابتلاء

آزموده شدن و رشد در اثر فرایند آزمایش، فلسفه خلقت و حضور انسان در دنیا است: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَ كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (هود، ۷).

بر این اساس، حضرت علی(ع) دنیا را میدان امتحان و ابتلاء دانسته است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَ لَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَ لَا بَالِسَعْيِ لَهَا أَمْرًا وَ إِنَّمَا وَضَعْنَا فِيهَا لِنَبْتَلِيَ بِهَا وَ نَعْمَلُ فِيهَا لِمَا بَعْدَهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ «همانا خدای بلندمرتبه دنیا را برای آنچه بعد از آن است آفریده، و در آن اهل آن را آزمایش می‌کند تا بداند که کدام از ایشان نیکوکارترند، ما برای دنیا و سعی برای کسب آن آفریده نشده‌ایم؛ همانا جز برای آزمایش شدن

و عمل برای عالم پس از آن در دنیا قرار داده نشده‌ایم».

همچنین: «الدُّنْيَا دَارُ الْمَحْنِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱).

## - فتنه بودن موهبت‌های دنیایی

فتنه به معنای امتحان است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۱۵۰/۵) و «فِتْنٌ» در اصل به داخل کردن و گداختن طلا در آتش گفته می‌شود تا خالص از ناخالص جدا و آشکار شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۶۲۳). بر این اساس می‌توان گفت که فتنه‌ها یا همان امتحان‌های الهی، از یک جنبه به منظور پاکسازی انسان و جدا کردن ناخالصی‌ها و کدورت‌ها از وجود او هستند و جنبه‌ای دیگر به منظور جدا کردن بدها از خوب‌ها در گذر زمان هستند. پیداست که اگر طلا را در آتش نمی‌افکندند، ناخالصی‌ها از طلا جدا نمی‌شدند و بر همین قیاس اگر فتنه‌های الهی نباشند انسان از نواقص، ناخالصی‌ها و کدورت‌ها پاکسازی نمی‌شود. در قرآن کریم اموال و اولاد به‌عنوان فتنه معرفی شده است: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ...» (أنفال، ۲۸) «و بدانید که اموال و فرزندانان فقط وسیله آزمایش شماست...». بر اساس همین آموزه قرآنی، امیر مؤمنان نیز هر آنچه از دنیا به دست انسان می‌رسد را فتنه خوانده است: «... وَ مَوَاهِبَهَا فِتْنَةٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷) «بسیار دنیا کم است، و عزت آن خواری است ... و بخشش‌های آن فتنه است».

## - دنیا سرای مسئولیت

هر نعمت دنیایی مسئولیتی در پی دارد. در واقع هیچ موهبتی نیست که مسئولیتی به‌بار نیاورد: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ ... فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ مَنِ اسْتَعْنَى فِيهَا فُتِنَ وَ مَنِ اسْتَعْنَى فِيهَا حَزِنَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ «همانا دنیا خانه‌ای است که ... در حلال آن حساب است و در حرام آن عقاب؛ هر که در آن توانگر شود به فتنه افتد، و هر که در آن درویش شود اندوهناک شود». در قرآن کریم تذکر داده شده است: «وَ قِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ» (صافات، ۲۴)؛ «تَمَّ تَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکواثر، ۸).

## - دنیا محل سختی‌ها و مصیبت‌ها

به درستی که دنیا خانه مصیبت‌ها است: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فِجَاجٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷).  
 «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ عَنَاءٍ وَفَنَاءٍ وَغَيْرِ وَغَيْرٍ وَمَحَلُّ فِتْنَةٍ وَمِحْنَةٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱)؛ «به درستی که دنیا خانه رنج‌ها و سختی‌ها، فنا و نابودی، تغییرات، عبرت‌ها، و نیز جایگاه فتنه و محنت است». همچنین در کلامی دیگر می‌فرماید: «هِيَ دَارُ حَرْبٍ وَسَلْبٍ وَنَهْبٍ وَعَطَبٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ آقا جمال خوانساری در شرح خود توضیح داده است: «حرب» به فتح حاء و راء به معنی ربودن است و «سلب» بفتح سین و لام و سکون لام نیز به همان معنی است و تأکید است؛ و «نهب» به فتح نون و سکون هاء یعنی به غارت بردن، و «عطب» به فتح عین و طاء به معنای هلاک است، و «بودن دنیا خانه آنها» بدین معنی است که مال و جان اهل آن ربوده می‌شود از ایشان به غارت می‌رود و در نهایت منجر به هلاک آنان می‌شود (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۶۳۴/۲).

## - دنیا پناهگاهی بی پناه

از دیدگاه امام علی (ع) انسان باید به دنبال یک پناهگاه مطمئن باشد زیرا دنیا پناهگاه خوبی برای ایمن شدن و پناه گرفتن نیست: «لَا تَعْصِمُ الدُّنْيَا مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۹)؛ «دنیا کسی را که به آن پناه برده باشد نگاهداری نمی‌کند».

«جَارُ الدُّنْيَا مَحْرُوبٌ وَ مَوْفُورٌهَا مُنْكَوَبٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۷) جار دنیا یعنی پناه آورنده به آن یا کسی که دنیا او را پناه داده باشد، محروب است، [یعنی ربوده شده از او مال او، یعنی آنچه داشته از استعداد سعادت و نیکبختی] و «موفور دنیا» یعنی بهره‌تام از آن یا کسی که بهره‌اش از آن تام باشد منکوب است [یعنی نکبت زده و مصیبت زده شده است] (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۳۶۱/۳).

## - دنیا اقامتگاه بدبختان

مشغولیت به دنیا انسان را بدبخت می‌کند. آنان که دانا هستند دنیا را گذرگاه می‌شمارند و در دنیا احساس غربت می‌کنند و با دنیا و اهل دنیا غریبه‌اند؛ اما آنان که دنیا را محل اقامت و وطن خود قرار داده‌اند بدبخت هستند: «الدُّنْيَا دَارُ الْغُرَبَاءِ وَ مَوْطِنُ الْأَشْقِيَاءِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛

بدبخت از این جهت که عمر و نیرو و سرمایه‌های وجودی خود را صرف آبادانی جایی می‌کنند که ذاتاً موقتی و فناپذیر و ازدست‌رفتنی است، این بدبختان، روزی با از دست رفتن دنیایشان ناگهان به خود می‌آیند و در خویش می‌نگرند و جز خرابی و ویرانی در خویش نمی‌یابند.

#### - دنیا کم‌قدر و کم‌ارزش

مولای متقیان در دسته‌ای از آموزه‌هایش، به کم‌قدر و کم‌ارزش بودن دنیا در مقایسه با آخرت اشاره فرموده است: «خَطَرُ الدُّنْيَا يَسِيرٌ وَ حَاصِلُهَا حَقِيرٌ وَ بَهْجَتُهَا زُورٌ وَ مَوَاهِبُهَا غُرُورٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷) «قدر دنیا اندک است، و حاصل آن کوچک است، و شادمانی آن باطل است و بخشش‌های آن فریب است».

حتی بسیار دنیا، کم است در برابر ارزش آنچه انسان از دست می‌دهد یا ارزش آنچه می‌تواند به دست آورد:

«كَثْرَةُ الدُّنْيَا قَلَّةٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷).

#### - دنیا تکیه‌گاهی کج شده

«إِنَّ الدُّنْيَا غُرُورٌ حَانِلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵)؛ «همانا دنیا فریب‌دهنده‌ای تغییر‌یابنده است، و سایه‌ای است زائل‌شونده، و تکیه‌گاهی است کج‌شده».

#### - نایابی کمال در دنیا

«الْكَمَالُ فِي الدُّنْيَا مَفْقُودٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲)؛ «کمال و تمامی در دنیا نایاب است؛ یعنی خواهش‌های دنیا را تمامی نباشد همین که کسی راه خواهش دنیا را به روی خود باز کند دیگر خلاصی نخواهد داشت، برآوردن هر خواهشی زاینده خواهشی دیگر می‌شود و همیشه در رنج و زحمت باشد، پس چاره آن سد راه خواهش است؛ و ممکن است مراد این باشد که نعمت‌ها و لذت‌های دنیا هیچ‌یک کامل و بی‌نقص نیست هر لذتی با المی همزاد باشد و هر سروری آمیخته به اندوهی است، بر خلاف نعمت‌های اخروی که از شوائب نقص خالص و فرح و سرور آن که به هیچ‌وجه آمیخته به کدورت نباشد پس هر که را اندک عقلی باشد باید که عمده سعی او از برای

آخرت باشد نه دنیا (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۹/۱).

#### - دنیا غیر قابل اعتماد

«غِذَاءُ الدُّنْيَا سَمَامٌ وَ أَسْبَابُهَا رِمَامٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲)؛ خورش دنیا زهر و اسباب آن ریسمان‌هایی کهنه هستند. تشبیه «اسباب دنیا به ریسمان‌های کهنه» به اعتبار سستی و مشرف بودن بر انقطاع و گسستن است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۳۸۷/۴).

#### - دنیا متغیر و متغیر

دنیا هم خود تغییر می‌کند و هم تغییر می‌دهد هر چه را که در آن است، از این رو مولا می‌فرماید: «الدُّنْيَا مَحَلُّ الْغَيْرِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴). هیچ چیز در دنیا ثابت نیست. دنیا تغییر دهنده‌ی اوضاع و احوال است، پس هر که را حال خوش باشد نباید مغرور شود و هر که در سختی و تنگی باشد باید صبر کند و نومید نباشد چه بسا به زودی او را فرج و گشایشی رو نماید (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۲۵۷/۱).

#### - دنیا سازنده و سوزنده

این مطلب بسیار مهم و قابل تأمل است و معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد که: دنیا از یک سو می‌سازد اما از سوی دیگر می‌سوزاند؛ اگر یک طرف را آباد کند طرف دیگر را خراب می‌کند. مولا (ع) درباره‌ی این ویژگی دنیا می‌فرماید: «الدُّنْيَا كَمَا تَجَبَّرُ تَكْسِرُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴) «دنیا چنانکه جبر و اصلاح شکستگی می‌کند، می‌شکند».

«إِنَّ مِنْ نَكَدِ الدُّنْيَا أَنَّهُ لَا تَبْقَى عَلَى حَالَةٍ وَلَا تَخْلُو مِنْ اسْتِحَالَةٍ تُصْلِحُ جَانِبًا بِفَسَادِ جَانِبٍ وَ تَسْرُ صَاحِبَهَا بِمَسَاءَةِ صَاحِبٍ فَالْكُونُ فِيهَا خَطَرٌ وَ الثَّقَّةُ بِهَا غَرَرٌ وَ الإِخْلَادُ إِلَيْهَا مُحَالٌ وَ الإِعْتِمَادُ عَلَيْهَا ضَلَالٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴)؛ به درستی که از نکد (سختی و دشواری؛ کمی نفع) دنیا این است که باقی نمی‌ماند بر یک حالت، و از گشتن از حالی به حالی باز نمی‌ایستد، طرفی را اصلاح می‌کند با فاسد کردن طرفی دیگر، و شادمان می‌گرداند مصاحبی را با اندوهناک کردن مصاحبی دیگر، پس بودن در آن خطر (مشرف شدن بر هلاک و ضرر) است، و اعتماد بر آن غرر (مشرف شدن بر هلاک و ضرر) است، و

میل به سوی آن محال است (ممکن نیست)، و تکیه بر آن گمراهی است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۶۴/۲).

### - کوتاهی زندگی دنیایی

زندگی در دنیا بسیار کوتاه است و دسته‌ای از آموزه‌های حضرت علی (ع) اشاره به کوتاهی فرصت زندگی در این دنیا دارند و این همان چیزی است معمولاً فراموش می‌شود.

درک کوتاه بودن زندگی دنیوی می‌تواند بسیاری از خطاها و حتی غصه‌ها و شادی‌های خیالی جلوگیری کند. آنان که دچار حرص و طمع، تزییع حق‌الناس، کینه‌توزی و ... می‌شوند، همین کوتاهی مدت زندگی در دنیا را فراموش کرده‌اند. آن حضرت می‌فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشُهَا قَصِيرٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷).

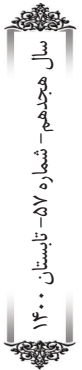
مولادر کلامی دیگر می‌فرماید: «أَوْقَاتُ الدُّنْيَا وَإِنْ طَالَتْ قَصِيرَةٌ وَالْمُنْعَةُ بِهَا وَإِنْ كَثُرَتْ سِيرَةٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۳) «وقت‌های دنیا هرچند دراز باشد کوتاه است و بهره یافتن از آن اگرچه بسیار به نظر آید اندک است».

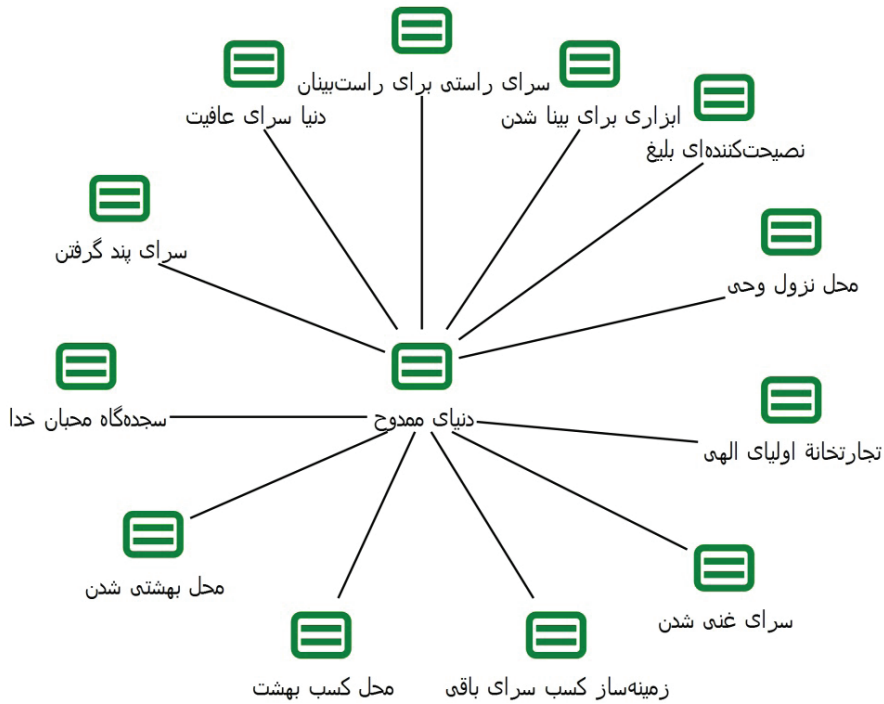
### - دنیا محل وبال و زوال و انتقال

«إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ وَوَبَالٍ وَزَوَالٍ وَانْتِقَالٍ لَا تَسَاوِي لِدَانَتِهَا تَنْغِيصَهَا وَلَا تَقِي سَعُودَهَا بِنُحُوسِهَا وَلَا يَقُومُ صُعُودُهَا بِهُبُوطِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ «دنیا سرای خبال (زیان و هلاکت و تعب و گرانی) و وبال (سختی و سنگینی) و زوال (ناپایداری و دگرگونی، ذهاب، استحاله) و انتقال (جابه‌جایی، واگذاری) است؛ لذت‌های آن با کدورت‌هایش برابر نیستند و بدبختی‌ها و ناکامی‌هایش بیش از نیکبختی‌ها و کامیابی‌های آن است و «نمی‌ایستد بالا رفتن آن به پایین آمدن آن» یعنی ترقیات در آن برابری نمی‌کند با تنزلات در آن و افتادن‌ها در مهالک و رنج‌ها و تعب‌هایش (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۵۱۶/۲).

### دنیای ممدوح

آنچه از کلام مولای متقیان علی (ع) در مورد دنیای ممدوح برمی‌آید در نمودار (۲) ارائه شده است.





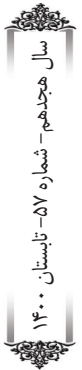
نمودار (۲) دنیای ممدوح در کلام مولای متقیان علی (ع)

در کلام امیر(ع) از دنیایی سخن گفته شده است که بسیار خوب و موردستایش است. این دنیای ممدوح، نه تنها باعث خواب و غفلت نمی‌شود بلکه باعث بیداری و هشیاری می‌شود؛ نه تنها موجب جهنمی شدن انسان نمی‌شود بلکه تنها راه بهشتی شدن او است، نه تنها موجب خرابی آخرت نمی‌شود، بلکه موجب تعمیر و آبادی آن نیز می‌شود. حضرت علی(ع) وقتی شنید مردی دنیا را نکوهش می‌کند، فرمود: «ای کسی که دنیا را نکوهش می‌کنی، در حالی که به نیرنگ آن فریفته‌ای، و به اباطیلش گول خورده‌ای، آیا فریفته دنیایی و آن را مذمت می‌نمایی؟! تو بر گردن دنیا گناه بار می‌کنی یا دنیا بر گردن تو؟ چه زمان دنیا تو را سرگردان کرد یا چه وقتی فریبت داد؟ آیا به جایگاهی که پدرانت افتادند و پوسیدند تو را فریفت؟ یا به خوابگاه مادرانت در زیر خاک؟ چه اندازه به دست‌هایت به رفع بیماری اقدام کردی! و چه بیمارانی را که مراقبت نمودی! شفای آنان را خواهان شدی، و از طبیبان تدبیر علاج آنان را درخواست کردی، ولی بامدادان

دارویت به آنان بهبودی نمی‌داد، و گریه‌ات به آنان سودی نمی‌بخشید، ترس تو برای احدی از آنان نفع نداشت، و درباره‌ او آنچه را خواهانش بودی به آن نرسیدی، و مرگ را به نیرویت از او دفع نکردی. دنیا با وضعی که برای او پیش آورد وضع تو را هم روشن ساخت، و با قربانگاه او قربانگاه تو را نمایاند. همانا دنیا سرای راستی است برای کسی که با آن به‌راستی برخورد کند، و خانه عافیت است برای آن که آن را فهمید، و محلّ توانگری است برای آن که از آن توشه گرفت، و جای پند است برای کسی که با آن پند گیرد. دنیا مسجد عاشقان خدا، و جایگاه نماز فرشتگان، و محل فرود آمدن وحی، و تجارتخانه اولیاء خداست، که در آن کسب رحمت کردند، و بهشت را سود بردند. پس چه کسی دنیا را نکوهش می‌کند در صورتی که دنیا جدایش را اعلام کرده، و فراقش را فریاد زده، و مرگ خود و اهلش را خبر داده، با بلای خود برای مردم از بلای آخرت نمونه ساخت، و آنان را به شادی خود، تشویق به شادی آخرت کرد. شب را به سلامت گذراند، و بامداد با بلایی سخت خود را نشان داد، تا تشویق کند و بترساند، و بیم دهد و بر حذر دارد. مردمی آن را در صبحگاه پشیمانی نکوهش کنند، و دیگران روز قیامت آن را بستانند. همانان که دنیا تذکرشان داد متذکر شدند، و با آنان سخن گفت او را تصدیق کردند، و پندشان داد پندش را پذیرفتند (نهج البلاغه، ۱۳۸۸: ۳۳۸).

### - دنیا نصیحت کننده‌ای بلیغ

«أَبْلَغُ نَاصِحٍ لَكَ الدُّنْيَا لَوْ انْتَصَحْتَ بِمَا تَرِيكَ مِنْ تَغَايِرِ الْحَالَاتِ وَ تُوْذُنِكَ بِهٍ مِنَ الْبَيْنِ وَ الشَّتَاتِ» از برای تو، دنیا بلیغ‌ترین و رساترین نصیحت‌کننده است به شرطی که پند بگیري از آنچه به تو نشان می‌دهد از تغییر یافتن حالت‌ها، و نیز آنچه به تو اعلام می‌کند از طریق دوری و پراکندگی؛ زیرا هر که ملاحظه کند آنچه را در دنیا واقع می‌شود از تغییرات دولت‌ها و نکبت‌ها و سایر حالت‌ها، و دور شدن و پراکندگی دوستان از یکدیگر با مرگ یا اسباب دیگر همین او را بس باشد از برای ترک اهتمام به آن و حریص نبودن بر آن (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۴۸۰/۲).





## - دنیا ابزاری برای بینا شدن

حضرت علی (ع) در جمله‌ای به دو جنبه دنیا اشاره فرموده است، اینکه دنیا هم می‌تواند انسان را بینا کند و هم می‌تواند کور کند: «مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَتْهُ وَمَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتْهُ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۱۰۶) یعنی «کسی که با دنیا بنگرد [دنیا] او را بینا کند، و آن کس که به آن بنگرد، [دنیا] او را کور سازد».

## - دنیا سرای راستی برای راست‌بینان

از دیدگاه مولای متقیان (ع) دنیا به اعتبار اینکه احوال خود را پنهان نمی‌کند و به‌طور آشکارا و به‌درستی و راستی نشان می‌دهد، پس خانه راستی است برای کسانی که راست بینند و خود را به خواب نزنند: «إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَّقَهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱).

## - دنیا سرای عافیت

عافیت یعنی ایمنی از شرور، و گرفتار نشدن در امور منفی و مضر. نعمت عافیت زمینه لازم را فراهم می‌کند تا انسان بتواند از فرصت عمر در جهت عمل صالح، تعالی معنوی، قرب الهی و رشد استفاده کند. آقا جمال خوانساری عافیت را به معنای «سلامتی از کوفت‌ها و بلاها» دانسته است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۲/۲۴۰). به‌گفته امام علی (ع) عافیت گواراترین نعمت‌ها است: «الْعَاقِبَةُ أَهْنَى النَّعْمِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۸۴).

آن حضرت دنیا را سرای عافیت معرفی کرده است البته برای کسی که بفهمد: «و دَارُ عَاقِبَةٍ لِمَنْ فَهَمَّ عَنْهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱).

## - دنیا سرای غنی شدن

دنیا محل کسب سرمایه و خانه توانگر شدن است برای کسی که از آن توشه برگیرد: «و دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱).

## - دنیا سرای پند گرفتن

دنیا سرای پند گرفتن است برای کسی که پندپذیر باشد: «و دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ اتَّعَظَ بِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱)؛ پندهای دنیا از واقعیت‌های آن برمی‌خیزد، زیرا دنیا همواره نسبت به فاصله‌اندازی و

جداسازی خود و مرگ خبر می دهد: «قَدْ آذَنْتَ بَيْنَهَا وَ نَادَتْ بِفِرَاقِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱).

#### - دنیا محل سجدهٔ محبان خدا و نمازخانهٔ فرشتگان

«[إِنَّ الدُّنْيَا] مَسْجِدٌ أَحْبَبَ اللَّهُ وَ مُصَلَّى مَلَائِكَةِ اللَّهِ وَ مَهْبِطٌ وَحَى اللَّهِ وَ مَتَجِرٌ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رِيحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۴۹۳).

#### - دنیا محل نزول وحی

«[إِنَّ الدُّنْيَا] مَهْبِطٌ وَحَى اللَّهِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۴۹۳).

- دنیا تجارتخانهٔ اولیای الهی و محل بهشتی شدن و کسب بهشت

«[إِنَّ الدُّنْيَا] مَتَجِرٌ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ اِكْتَسَبُوا فِيهَا الرَّحْمَةَ وَ رِيحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۴۹۳).

#### - اعمال دنیا بهای خرید آخرت

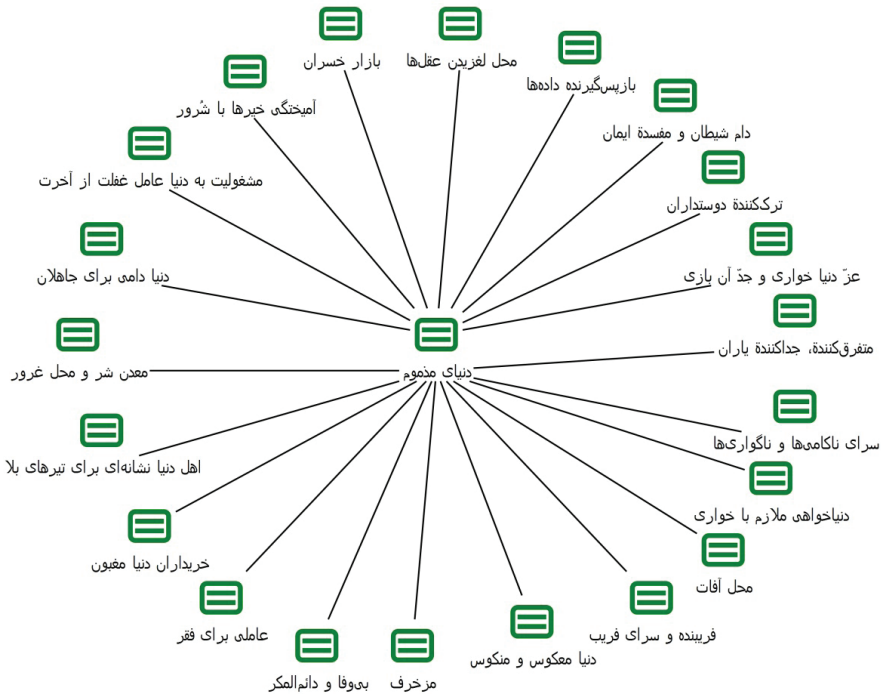
«الْأَعْمَالُ فِي الدُّنْيَا تِجَارَةٌ الْآخِرَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۷)؛ «کردارها در دنیا بازرگانی آخرت است».

#### - امکان کسب سرای باقی به واسطهٔ این دنیای فانی

دنیا اگرچه فانی است ولی می تواند محل کسب سرای باقی باشد و نعمت های جاودان را به ارمغان آورد. امام (ع) توصیه می کند: «تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحُوزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا وَ خُذُوا مِنَ الْفَنَاءِ لِلْبَقَاءِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۸)؛ «توشه بگیرید از دنیا آنچه را جمع کنید به آن نفس های خود را فردا، و فراچنگ آرید باقی را از فانی».

#### دنیای مذموم

آنچه از کلام مولای متقیان علی (ع) در مورد دنیای مذموم برمی آید در نمودار (۳) ارائه شده است.



نمودار (۳) دنیای مذموم در کلام مولای متقیان علی (ع)

**– دنیا دامی برای جاهلان**

شناختن دنیا، مهم‌ترین عامل گرفتاری در ورطهٔ دنیا است که مولای (ع) به آن اشاره نموده است: «إِنَّمَا الدُّنْيَا شَرَكٌ وَقَعَ فِيهِ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵) «همانا دنیا دامی است که کسی که آن را نمی‌شناسد در آن گرفتار می‌شود».

«عُرِّيَ يَا دُنْيَا مِنْ جَهْلِ حَيْلِكَ وَخَفِيَ عَلَيْهِ حَبَائِلُ كَيْدِكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵)؛ «ای دنیا! فریب ده کسی را که حیل‌های تو را نشناسد، و بر او دام‌های مکر تو پنهان باشد». مراد این است که چنین کسی فریب تو را می‌خورد و من چنین نیستم پس فریب تو را نمی‌خورم دست از من بردار و از من مأیوس باش (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۴/۳۸۳).

الگوی مفهومی آموزه‌های دین‌شناختی امام علی (ع) و راهکارهای تعامل با دنیا

## - مشغولیت به دنیا عامل غفلت از آخرت

«إِنَّ الدُّنْيَا لَمَشْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ لَمْ يُصَبِّ صَاحِبُهَا مِنْهَا سَبِيًّا إِلَّا فَتَحَتْ عَلَيْهِ حِرْصًا عَلَيْهَا وَ لَهَجًا بِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۷)؛ «همانا دنیا مایه مشغول شدن و غفلت از آخرت است، نرسیده است مصاحب آن به عطائی از دنیا مگر اینکه دنیا بر او گشوده است دری از حرص و طمع به آن».

## - آمیختگی انواع خیرهای دنیا با انواع شرور

«إِنَّ الدُّنْيَا ... الْفَرْحُ الْمَوْصُولُ بِالْغَمِّ وَالْعَسَلُ الْمَشُوبُ بِالسَّمِّ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ «همانا دنیا ... شادی‌اش همراه با اندوه، و عسلش آمیخته با زهر است» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۶۴۴/۲). لذت‌های دنیا به رنج‌ها و دردها آمیخته است: «صِحَّةُ الدُّنْيَا أَشْقَامٌ وَ لَذَاتُهَا آلامٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷).

ناخالص بودن خیرهای دنیا و آمیختگی آنها با انواع شرور در جمله‌ای به‌غایت زیبا چنین آمده است: «إِنَّ الدُّنْيَا خَيْرُهَا زَهِيدٌ وَ شَرُّهَا عَتِيدٌ وَ لَذَّتُهَا قَلِيلَةٌ وَ حَسْرَتُهَا طَوِيلَةٌ تَشُوبُ نَعِيمَهَا بِبُؤْسٍ وَ تَقْرُنُ سُعُودَهَا بِبُحُوسٍ وَ تَصِلُ نَفْعَهَا بِضُرٍّ وَ تَمَزِجُ حُلُوهَا بِمُرٍّ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱) «همانا دنیا خیر آن کم است و شر آن آماده است؛ و لذت آن کم است و حسرت آن دراز است؛ نعمت خود را به سختی آمیخته می‌کند؛ و سعدهای خود را با نحس‌ها همراه می‌کند، نفع خود را به ضرر می‌پیوندد، و شیرین خود را با تلخی آمیخته می‌کند».

## - دنیا بازار خسران

امام علی (ع) می‌فرماید: «الدُّنْيَا سُوقُ الْخُسْرَانِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲)؛ «دنیا بازار زیان است». معمولاً در دنیا سرمایه‌های انسان به حراج گذاشته می‌شوند؛ سرمایه‌هایی مانند سرمایه عمر، جوانی، صحت بدن و سلامت روان، پاکی و معصومیت ... دارایی‌هایی هستند که برای به دست آوردن سراب‌های دنیایی، فروخته می‌شوند. البته افرادی دانا هم هستند که در این بازار سود می‌برند. قرآن کریم با لفظ «إِلَّا» راهکار سود بردن را تذکر داده است: «وَالْعَصْرُ \* إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ \* إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» (عصر، ۱-۳).

## - دنیا جای افتادن و لغزیدن عقل‌ها

عقل مهم‌ترین ابزار انسان برای گذر سربلندانه از مرحله زندگی دنیایی است. اما غلبه و طغیان شهوت و غضب می‌تواند عقل را تضعیف کند و مغلوب سازد. مولا(ع) در کلامی -که مجالی فرخ برای توضیح می‌طلبد- فرموده است: «الدُّنْيَا مَضْرَعُ الْعُقُولِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲)؛ در دنیا با اندک غفلتی، امکان افتادن و لغزیدن عقل‌ها وجود دارد.

## - دنیا معدن شر و محل غرور

«الدُّنْيَا مَعْدِنُ الشَّرِّ وَ مَحَلُّ الْغُرُورِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵)؛ «دنیا معدن شر و محل غرور است». مولا(ع) تصریح فرموده که «شادمانی دنیا فریب و متاع آن هلاک است» «سُرُورُ الدُّنْيَا غُرُورٌ وَ مَتَاعُهَا تُبُورٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵).

## - دنیا دام شیطان و مفسده ایمان

دنیا مهم‌ترین ابزار شیطان برای وسوسه کردن و در بندکشیدن انسان و تخریب ایمان اوست: «اخْذِرِ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا شِبَكَةُ الشَّيْطَانِ وَ مَفْسَدَةُ الْإِيمَانِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۸)؛ «حذر کن از دنیا پس به درستی که آن دام شیطان و جایگاه فساد ایمان است».

## - دنیاخواهی ملازم با خواری

دنیا خواستگاران خود را خوار می‌کند و سواران خود را می‌لغزاند و می‌اندازد: «طَالِبُهَا يَدُلُّ وَ رَاكِبُهَا يَزِلُّ» «طلب‌کننده آن خوار می‌شود، و سوار آن می‌لغزد». «كَمْ مِنْ ذِي أُبْهَةٍ جَعَلَتْهُ الدُّنْيَا حَقِيرًا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴) «بسا صاحب بزرگی که دنیا او را کوچک می‌گرداند».

## - اهل دنیا نشانه‌ای برای تیرهای بلا

«أَهْلُ الدُّنْيَا غَرَضُ النَّوَابِغِ وَ ذُرِّيَّةُ الْمَصَائِبِ وَ نَهْبُ الرِّزَايَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴)؛ «اهل دنیا نشانه برای تیرهای حوادث و مصیبت‌ها هستند، و نیز به باد برده‌شده ماتم‌ها، و به تاراج برده‌شده مصیبت‌ها هستند».

## - خریداران دنیا مغبون

دنیا کالایی است که خریداران آن مغبون و متضرر شده می شوند: «الدُّنْيَا صَفْقَةٌ مَغْبُونٌ وَ الْإِنْسَانُ مَغْبُونٌ بِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴).

## - عز دنیا خواری و جد آن بازی

«إِنَّ الدُّنْيَا... حَالُهَا انْتِقَالٌ وَ سُكُونُهَا زَلْزَالٌ وَ عِزُّهَا ذُلٌّ وَ جِدُّهَا هَزْلٌ وَ كَثْرَتُهَا قَلٌّ وَ عُلوُّهَا سُفْلٌ أَهْلِهَا عَلَى سَاقٍ وَ سِيَّاقٍ وَ لِحَاقٍ وَ فِرَاقٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷) به درستی که حالت دنیا انتقال است و آرام آن زلزال، و عزت آن خواری است، و جد آن بازی، و بسیاری آن کمی است، و بلندی آن پستی است، یا بلند آن پست است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۲/۶۳۰).

«إِنَّ جِدَّ الدُّنْيَا هَزْلٌ وَ عِزُّهَا ذُلٌّ وَ عُلوُّهَا سُفْلٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ «به درستی که جد دنیا بازیچه است، و عزت آن خواری است، و بلندی آن پستی است».

## - دنیا معکوس و منکوس

کار دنیا برعکس است. مولای متقیان به این مطلب چنین اشاره می فرماید: «إِنَّ الدُّنْيَا مَعْكُوسَةٌ مَنكُوسَةٌ لِذَاتِهَا تَنغِيصٌ وَ مَوَاهِبُهَا تَغْصِيصٌ وَ عَيْشُهَا عَنَاءٌ وَ بَقَاؤُهَا فَنَاءٌ تَجْمَعُ بِطَالِبِهَا وَ تُرَدِّي رَاكِبِهَا وَ تَخُونُ الْوَائِقِ بِهَا وَ تُزْجِعُ الْمُطْمَئِنِّينَ إِلَيْهَا وَ إِنَّ جَمْعَهَا إِلَى انْصِدَاعٍ وَ وَضَلَهَا إِلَى انْقِطَاعٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ به درستی که دنیا معکوس منکوس است، لذت های آن تیره کردن است، و بخشش های آن غصه دادن، و زندگانی آن رنج، و بقای آن فانی شدن است؛ دنیا نسبت به جوینده خود سرکشی می کند، و سوار خود را هلاک می گرداند، و به اعتمادکننده اش خیانت می کند، از جا برمی کند کسی را که به آن آرام گیرد؛ و همانا جمعیت آن به سوی جدایی است، و پیوند آن به سوی بریده شدن است. «معکوس به معنی واژگون کرده شده است، منکوس نیز به همان معنی است و تأکید است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۲/۶۲۵).

جنبه دیگری از معکوس بودن کار دنیا این است: «هر که از اطاعت دنیا سر باز زند، دنیا از او اطاعت می کند، و هر که آن را ترک کند به سویش می آید» «وَ مَنْ عَصَاهَا أَطَاعَتْهُ وَ مَنْ تَرَكَهَا أَتَتْهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷).

## - دنیای فریبا، سرای فریب

«الدُّنْيَا تُغْوِي» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵)؛ «دنیا فریب می دهد».

«إِنَّ الدُّنْيَا كَالْحَيَةِ لَيِّنٌ مَّسْهًا قَاتِلٌ سَمُّهَا فَأَعْرَضَ عَمَّا يُعْجِبُكَ فِيهَا لِقَلَّةِ مَا يُصْجِبُكَ مِنْهَا وَكُنْ أَنْسَ مَا تَكُونُ بِهَا أَخَذَرَ مَا تَكُونُ مِنْهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ «به درستی که دنیا مانند مار است، نرم است هنگامی که لمس می شود، اما زهر آن کشنده است؛ پس رو بگردان از آنچه تو را خوش می آید از آن، به سبب اینکه هر چه باشد در حقیقت اندک است و موجب گرفتاری گردد».

«إِنَّ الدُّنْيَا كَالغُولِ تُغْوِي مَنْ أَطَاعَهَا وَتَهْلِكُ مَنْ أَجَابَهَا وَإِنَّهَا لَسْرِيعةُ الزَّوَالِ وَشِيكةُ الْإِنْتِقَالِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ «همانا دنیا مانند غول است که گمراه می کند کسی را که از آن فرمان برد، و هلاک می گرداند کسی را که آن را اجابت کند، و به درستی که آن شتابان زایل شونده و به سرعت انتقال یابنده است».

## - دنیای مزخرف با آرایش های گمراه کننده

مولای علی (ع) تذکر می دهد که دنیا برای فریب دادن، خود را می آراید. دنیا کالایی مزخرف (زراندود؛ کالایی بی ارزش که از برای فریب، با طلا آرایش شده) است که زیبایی و درخشندگی اش ظاهری و ساختگی است و در باطن پوچ و تو خالی است: «قَدْ تَزَيَّنَتِ الدُّنْيَا بِغُورِهَا وَعَرَّتْ بِزِينَتِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵) «به تحقیق که دنیا با فریب آراسته شده است، و با آرایش خود فریب می دهد».

«وَزَخَّارِفُهَا مُضَلَّةٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ «و رنگ و لعاب و درخشندگی آن گمراه کننده است».

مولای (ع) در کلامی به این مضمون اشاره دارد که دنیا ابتدا فریب می دهد و سپس مالک آن فریب خورده می شود و بر او سوار و مسلط می شود: «مَنْ رَاقَهُ زِبْرُجُ الدُّنْيَا مَلَكَتْهُ الْخُدْعُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵)؛ «هر که از زینت دنیا خوش آید او، بر او مالک و مسلط شود فریب های دنیا».

## - دنیا بی وفا و دائم المکر

مولای متقیان (ع) بارها به بی وفایی دنیا اشاره نموده است: «إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَفِي لِصَاحِبٍ وَلَا تَصْفُو لِشَارِبٍ نَعِيمِهَا يَنْتَقِلُ وَأَحْوَالُهَا تَتَبَدَّلُ وَلَدَاتُهَا تَفْنِي وَتَبِعَاتُهَا تَبْقَى» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴)؛ «همانا دنیا وفا نمی کند بر هیچ مصاحبی، و صاف نمی شود از برای هیچ آشامنده ای؛ نعمت آن انتقال یابنده است، و احوال

آن تبدل پذیرنده؛ و لذت‌های آن فانی می‌شوند، و تبعات آن باقی می‌مانند» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۶۴۵/۲).

مولانا (ع) به دائم‌المکر بودن دنیا در این جمله اشاره فرموده است: «إِنَّ الدُّنْيَا سَرِيعَةُ التَّحَوُّلِ كَثِيرَةُ التَّنَقُّلِ شَدِيدَةُ الْعُدْرِ دَائِمَةُ الْمَكْرِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴)؛ «همانا دنیا سریع‌التحول، بسیار تنقل، سخت بی‌وفای دائم‌المکر است».

#### - دنیا محل آفات

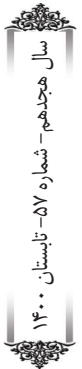
دنیا جایی است که در آن وجود انسان در برابر آماج آسیب‌ها و آفت‌های متعددی قرار دارد، از این رو مولای متقیان در یک جمله کوتاه به این مطلب اشاره‌ای لطیف فرموده است: «الدُّنْيَا مَحَلُّ الْآفَاتِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱).

#### - دنیا سرای ناکامی‌ها و ناگواری‌ها

دنیا اجل‌ها را نزدیک می‌کند و امیدها را دور می‌کند، و مردان را هلاک می‌گرداند، و حال‌ها را تغییر می‌دهد، و هر که در صدد غلبه بر دنیا برآید دنیا او را مغلوب می‌کند، و هر که با آن کشتی بگیرد او را بر زمین می‌کوبد: «إِنَّ الدُّنْيَا تُدْنِي الْأَجَالَ وَتُبَاعِدُ الْأَمَالَ وَتُبِيدُ الرِّجَالَ وَتُغَيِّرُ الْأَحْوَالَ مَنْ غَالَبَهَا غَلَبَتْهُ وَ مَنْ صَارَ عَلَيْهَا صَرَغَتْهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷).

#### - دنیا و بازپس‌گیری داده‌ها

دنیا هرچه را می‌دهد دوباره بازمی‌ستاند. این مطلب در کلام امیر چنین تذکر داده شده است: «إِنَّ الدُّنْيَا تَعْطِي وَتَرْجِعُ وَتَنْقَادُ وَتَمْتَنِعُ... وَتَطْمَعُ وَتُوَيْسُ يُعْرِضُ عَنْهَا السُّعْدَاءُ وَيَرْغَبُ فِيهَا الْأَشْقِيَاءُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷)؛ «همانا دنیا می‌بخشد و باز پس می‌گیرد، و اطاعت می‌کند و گردنکشی می‌نماید، ... و به طمع می‌اندازد و نومید می‌کند، در می‌گذرند از آن نیکبختان، و رغبت می‌کنند در آن بدبختان».





## - دنیا ترک کننده دوستداران

این دنیای بی وفا، دوستدارانش را ترک می کند، از این رو مولا(ع) سفارش می کند که پیش از آنکه دنیا شما را ترک کند، شما آن را ترک کنید: «ارْضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا ذَمِيمَةً فَقَدْ رَفَضَتْ مَنْ كَانَ أَسْعَفَ بِهَا مِنْكُمْ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۸)؛ «این دنیای نکوهیده را ترک کنید، به درستی که دنیا ترک کرده است کسانی را که بیش از شما مشتاق آن بودند».

## - دنیا رباننده نعمت ها، متفرق کننده جمع ها، جداکننده یاران

هیچ کدام از نعمت ها و دلخوشی های دنیا ماندگار نیستند. گاه حرص و طمع و کبر ... در خود افراد، موجب می شود جمعیت ها متفرق گردند و گاه مرگ، عاشقان، یاران و رفیقان شفیق را از هم جدا می کند: «إِنَّ الدُّنْيَا ... سَلَابَةٌ النَّعْمِ أَكَالَةُ الْأُمَمِ جَلَابَةٌ النَّقْمِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۷).

## - دنیا طلبی عاملی برای فقر

نکته جالب دیگری که در آموزه های دنیاشناختی علوی وجود دارد، آسیب های مربوط به دنیا طلبی است. آن حضرت تصریح می کند که دنیا طلبی افراطی باعث می شود که انسان، فقیر از دنیا برود: «مَنْ أَسْرَفَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا مَاتَ فَقِيرًا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۹). البته باید گفت فقر که به معنای نداری و تهی دستی، تنها بر فقر مادی صدق نمی کند بلکه فقر انواع مختلفی دارد؛ از جمله فقر دینی، فقر علمی، فقر فرهنگی، فقر اخلاقی ... آقا جمال در توضیح این کلام مولا، فقر را به معنای «تهی دستی از توشه های اخروی» دانسته است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۳۳۱/۵).

## - توانگری در دنیا همراه با تهی دستی، وسعت دنیا همراه با بلا

«كُلُّ يَسَارِ الدُّنْيَا إِعْسَارٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱)؛ هر توانگری دنیا درویشی است، زیرا دارایی های دنیا همراه با صدگونه حاجت هستند که این احتیاجات در واقع همان حقیقت درویشی است و غالباً سبب درویشی و تهی دستی در آخرت نیز می شود (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۵۴۰/۴).

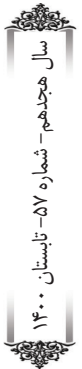
آن حضرت تصریح فرموده است که هرگاه دنیا بر سر کسی سایه وسعت و فراخی افکند، در عین حال ابر بلا بر سرش خواهد بارید: «لَمْ تُظَلَّ أَمْرَةٌ مِنَ الدُّنْيَا دِيمَةً رَخَاءٍ إِلَّا هَتَّتْ عَلَيْهِ مُزْنَةُ بَلَاءٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱)؛ «سایه نینداخته مردی را از دنیا ابر وسعت و فراخی، مگر این که بریزد بر او ابر بلائی» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۱۰۳/۵).

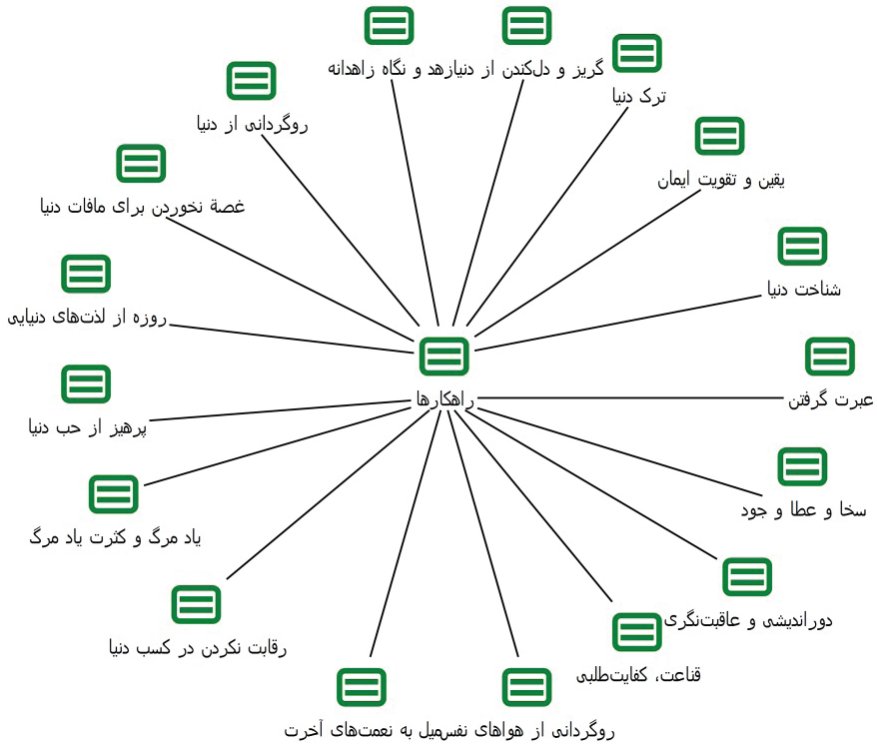
#### - ناپایداری دوستی‌های دنیایی

رابطه و دوستی با اهل دنیا هر لحظه با به خطر افتادن منافع دنیوی قطع ارتباط و حتی دشمنی ختم می‌شود، از این رو دوستی با اهل دنیا دوستی‌هایی بسیار ناپایدار و شکننده هستند و مولای متقیان به این مطلب نیز اشاره فرموده است: «مَوَدَّةُ أَوْلِيَاءِ الدُّنْيَا تَزُولُ لِأَذْنَى عَارِضٍ يَعْزُضُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱)؛ دوستی با اهل دنیا از برای پست‌ترین عارضی (با وقوع هر اتفاق یا بهانه‌ای) نابود می‌شود، یعنی از برای اندک امری که روی دهد مثل جلب اندک نفع دنیوی (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۱۳۶/۶). همچنین در همین مضمون می‌فرماید: «إِخْوَانُ الدُّنْيَا تَنْقَطِعُ مَوَدَّتُهُمْ لِسُرْعَةِ انْقِطَاعِ أَسْبَابِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۱۷).

#### راهکارهای مقابله با دنیا و رویکرد درست نسبت به آن

در کلام امیر(ع) برای مواجهه درست با دنیا و بهره‌مندی از آن، راهکارهایی ارائه شده که در نمودار (۴) ارائه شده است:





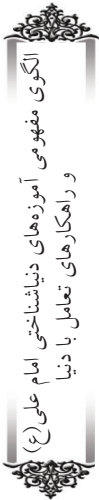
نمودار (۴) دنیای مذموم در کلام مولای متقیان علی (ع)

### - دنیاشناسی

شناخت دنیا ثمرات متعددی دارد.

#### الف) شناخت دنیا عامل جایگزین کردن آن با آخرت

«كُونُوا قَوْمًا عَالِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِدَارِهِمْ فَاسْتَبَدُّوا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲)؛ قومی باشید که دانسته‌اند که دنیا خانه ایشان نیست، پس بدل کرده‌اند؛ یعنی جایگزین کرده‌اند آن را با آخرت، و از سر آن گذشته‌اند تا به عوض آن آخرت را بگیرند (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۶۱۷/۴).



### ب) شناخت دنیا عامل تزهد

درواقع کسانی که حقیقت دنیا را به درستی می‌شناسند نسبت به آن زهد می‌ورزند: «مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا تَزَهَّدَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۸).

### ج) شناخت دنیا راهی برای رهایی از مصیبت‌های آن

«مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَحْزَنْ عَلَى مَا أَصَابَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۱)؛ «هر که دنیا را بشناسد، بر آنچه از مصائب دنیا به او برسد اندوهناک نگردد».

### د) شناخت دنیا عامل فریب نخوردن

حضرت علی (ع) باز به راهکار شناخت دنیا تأکید می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ خِدَاعَ الدُّنْيَا لَمْ يَغْتَرَّ مِنْهَا بِمُحَالَاتِ الْأَخْلَامِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵)؛ «هر که مکرهای دنیا را بشناسد فریب خواب‌های محال آن را نخورد». مولای متقیان دنیا را به زهری تشبیه فرموده است که هر که آن را نشناسد می‌نوشد: «الدُّنْيَا سَمٌّ أَكَلَهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲).

### ه) شناخت دنیا عامل استواری

آن حضرت اشاره دارد که دنیا نمی‌تواند دانا را متزلزل و بی‌آرام کند: «لَا يَسْتَفِزُّ خُدْعُ الدُّنْيَا الْعَالِمَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۵).

### و) شناخت دنیا عامل عدم اعتماد و تمایل به دنیا

«الرُّكُونُ إِلَى الدُّنْيَا مَعَ مَا يَعْابِنُ مِنْ غَيْرِهَا جَهْلٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۲)؛ «رکون به دنیا با آنچه از حادثه‌های آن مشاهده می‌شود، نادانی است». «رکون» به معنای میل کردن و نیز به معنای اطمینان و اعتماد کردن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۴/۵؛ بستانی و مهیار، ۱۳۷۵: ۴۴۱). بنا بر کلام امیر، جهل و نشناختن دنیا، عامل اصلی رکون (اعتماد و میل) به دنیا است.

### - عبرت گرفتن از گذشتگان و رفتگان

با نگاهی عاقلانه، می‌توان از تمام تغییرات و تحولات دنیایی عبرت گرفت و خطاهای گذشتگان و رفتگان را تکرار نکرد: «فِي تَصَارِيفِ الدُّنْيَا اِغْتِبَارٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۷۱)؛ «در تغییرهای دنیا

عبرت است، یعنی از آنها باید عبرت گرفت».

#### - یقین و تقویت ایمان

هر که به آخرت یقین پیدا کند، نسبت به دنیا حریص نمی شود: «مَنْ أُيْقِنَ بِالْآخِرَةِ لَمْ يَحْرِصْ عَلَى الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۵۱).

#### - ترک دنیا

این دنیا ترک کننده دوستان خود است پس با اینکه شاید تمایل نداشته باشیم، عاقلانه ترین راه این است که پیش از آنکه دنیا ما را ترک کند، ما آن را ترک کنیم: «ارْضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةَ لَكُمْ وَ إِنَّ لَمْ تُحِبُّوا تَرْكَهَا وَ الْمُثَلَبِيَةَ أَجْسَادَكُمْ عَلَى مَحَبَّتِكُمْ لِتُجَدِّدِهَا (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۸)؛ «ترک کنید این دنیا را که ترک کننده شماست هر چند دوست ندارید ترک آن را؛ دنیایی که پیر و فرسوده می کند بدن های شما را با اینکه دوست می دارید جوان و نو بودن آن را».

«ارْضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا ذَمِيمَةً فَقَدْ رَفَضْتُ مَنْ كَانَ أَشْعَفَ بِهَا مِنْكُمْ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۸)؛ «این دنیای نکوهیده را ترک کنید، به درستی که دنیا ترک کرده است کسانی را که بیش شما مشتاق آن بودند».

مولا علی (ع) خبر داده است که هر کسی که دنیا را ترک کند، ناگواری ها و مصیبت ها بر او سهل می گردد: «مَنْ لِهَيْبَةِ الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۹).

#### - گریز و دل کندن از دنیا

«اهْرُبُوا مِنَ الدُّنْيَا وَ اضْرِبُوا قُلُوبَكُمْ عَنْهَا فَإِنَّهَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۲۹) «بگریزید از دنیا و دل های خود را از آن بگردانید، پس به درستی که آن زندان مؤمن است».

#### - زهد و نگاه زاهدانه

بهترین معنای زهد «پیراستگی دل از زینت ها و فضول دنیا» است. زاهدان در دل دنیا هستند، اما دنیا در دل آنان نیست. مولای متقیان زهد را به عنوان راهکار سلامت ماندن از آفات دنیا معرفی فرموده: «أَلَا وَ إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسَلَّمُ مِنْهَا إِلَّا بِالزُّهْدِ فِيهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۸)؛ «آگاه باش و به درستی که دنیا خانه ای است که به سلامت نماند کسی از آن مگر با زهد در آن». و در کلامی

دیگر، زهد را برترین طاعات دانسته است: «أَفْضَلُ الطَّاعَاتِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۷). آن حضرت بازداشتن نفس از زینت‌های دنیا را میوه عقل دانسته است: «رَدُّعُ النَّفْسِ عَنْ زَخَارِفِ الدُّنْيَا ثَمَرَةُ الْعَقْلِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۴۰) که بازهم تأکیدی بر نقش اساسی عقل و شناخت در مقابله با فریب‌های دنیای فریباست. در همین راستا می‌فرماید: «أَحَقُّ النَّاسِ بِالزُّهَادَةِ مَنْ عَرَفَ نَقْصَ الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۵۷)؛ «سزاوارترین مردم برای ترک دنیا و بی‌رغبتی نسبت به آن، کسی است که کمی [قدر و ارزش] دنیا را بشناسد (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۴۳۹/۲).

امام علی(ع) به «نگاه زاهدانه» نسبت به دنیا سفارش فرموده است: «انظُرْ إِلَى الدُّنْيَا نَظْرَ الزَّاهِدِ الْمُفَارِقِ وَلَا تَنْتَظِرْ إِلَيْهَا نَظْرَ الْعَاشِقِ الْوَالِمِقِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۸)؛ «نگاه کن به دنیا نگاه کردن کسی که بی‌رغبت باشد به آن و جدایی جوید از آن، و نگاه مکن به سوی آن نگاه کردن عاشق دوست» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۲۰۵/۲).

آن حضرت(ع) در کلامی دیگر، زهد در دنیا را بزرگ‌ترین راحتی: «الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاحَةُ الْعُظْمَى» و عامل حفظ دین: «مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا حَصَّنَ دِينَهُ» دانسته است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۷۶).

#### - روگردانی از دنیا پیش از روگردانی دنیا

با توجه به اینکه در روگردانی دنیا شکی نیست، مولای متقیان سفارش می‌کند که پیش از اینکه دنیا از تو رو بگرداند تو از دنیا رو بگردان: «فَاعْرِضْ عَنْهَا قَبْلَ أَنْ تُعْرِضَ عَنْكَ وَاسْتَبْدِلْ بِهَا قَبْلَ أَنْ تَسْتَبْدَلَ بِكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۴) پس رو بگردان از آن پیش از اینکه دنیا رو بگرداند از تو، و بدل کن آن را پیش از این که بدل کند آن تو را. آقا جمال خوانساری در توضیح فقره «اسْتَبْدَلَ بِهَا...» بیان می‌کند که پیش از آنکه دنیا کسی را جای تو بگذارد و تو را منتقل و بدل کند، پس تو روی بگردان از آن و ترک کن آن را و دیگری را که همان آخرت باشد جایگزین دنیا کن (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۶۴۵/۲).

#### - غصه نخوردن برای آنچه از مال دنیا از دست رفته

غصه نخوردن برای آنچه از مال دنیا از دست رفته، کار آسانی نیست و به صرف خواستن میسر نمی‌شود، بلکه نیاز به معرفت و رشد دارد. اجرای راهکارهای پیشین که ذکر شدند،

انسان را به مقامی می‌رسانند که زین‌پس او می‌تواند برای مافات اندوهگین نشود: «إِذَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ فَلَا تَحْزَنْ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۸)؛ «هرگاه تو را از دنیا چیزی فوت شود پس اندوهگین مشو».

حضرت علی(ع) به این نکته تأمل‌برانگیز اشاره نموده که هرچه از دنیا فوت شود برای تو غنیمت و نفع عظیمی است: «كُلَّمَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ فَهُوَ غَنِيمَةٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲).

#### - پرهیز از حب دنیا

آن حضرت به آفات مختلف دنیادوستی اشاره فرموده است، از جمله:

#### الف) حب دنیا بزرگ‌ترین خطا

«أَعْظَمُ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۹).

#### ب) حب دنیا سرآغاز همه خطاها

«حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲).

#### ج) حب دنیا عامل بدبختی‌ها

«سَبَبُ الشَّقَاءِ حُبُّ الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۹).

#### د) حب دنیا رأس هر فتنه و اصل هر غصه

«حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَ أَصْلُ الْمِحَنِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۹).

#### ه) حب دنیا عامل کوری و کری

«لِحُبِّ الدُّنْيَا صَمَّتِ الْأَسْمَاعُ عَنْ سَمَاعِ الْحِكْمَةِ وَ عَمِيَتِ الْقُلُوبُ عَنْ نُورِ الْبَصِيرَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲)؛

«حب دنیا گوش‌ها را از شنیدن حکمت کر می‌کند، و دل‌ها را از دریافت نور بصیرت کور می‌کند».

#### و) حب دنیا عامل گرفتاری به بیماری حرص و طمع

«حُبُّ الدُّنْيَا يُوجِبُ الطَّمَعُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲).

به گفته پیشوای پرهیزکاران(ع) هر که قلبش گرفتار حب دنیا گردد، همواره ملازم با سه چیز است: اندوهی دائم، حرصی پایدار، و آرزویی دست‌نیافته: «مَنْ لَهَجَ قَلْبُهُ بِحُبِّ الدُّنْيَا التَّاطُّ مِنْهَا بِثَلَاثٍ

هَمْ لَا يُعْنِيهِ [لَا يَغِيْبُهُ] وَ حِرْصٍ لَا يَتْرُكُهُ وَ أَمَلٍ لَا يُدْرِكُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۹).

#### - اخراج دنیا از قلب پیش از خروج جسم از آن

مولای متقیان می فرماید: بیرون کنید دنیا را از دل های خود پیش از اینکه بدن های شما از دنیا بیرون رود، [بدانید که شما] در آن آزمایش می شوید و برای غیر از آن آفریده شده اید: «أَخْرِجُوا الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِكُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَجْسَادُكُمْ فَيَهَا أُخْتَبِرْتُمْ وَ لَعْنِيهَا خُلِقْتُمْ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۰).

#### - رقابت نکردن در کسب دنیا

«لَا تُتَنَافَسُ فِي مَوَاهِبِ الدُّنْيَا فَإِنَّ مَوَاهِبَهَا حَقِيرَةٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲)؛ «برای کسب بخشش های دنیا منافسه مکن؛ زیرا بخشش های آن اندک و حقیرند». مراد این است که مواهب دنیا را دلیل افزونی مرتبه خود مگردان زیرا که آنها نزد حق تعالی کوچک و حقیرند، و نشان از افزونی مرتبه کسی نمی شود (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۲۸۹/۶).

#### - طلب آخرت و رضایت به مقدور و مقسوم

«طَالِبِ الْآخِرَةِ يَدْرِكُ مِنْهَا أَمَلَهُ وَ يَأْتِيهِ مِنَ الدُّنْيَا مَا قَدَّرَ لَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲)؛ طلب کننده آخرت به امیدها و آرزوهای خود می رسد، و از دنیا هر آنچه تقدیرش شده باشد به او می رسد.

#### - بدن در دنیا و قلب در آخرت

«كُنْ فِي الدُّنْيَا بِيَدْنِكَ وَ فِي الْآخِرَةِ بِقَلْبِكَ وَ عَمَلِكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۲)؛ حضرت علی (ع) توصیه می فرماید که با بدنت در دنیا باش اما با قلب و عملت در آخرت باش. یعنی به دل همیشه در فکر آخرت باش و در تحصیل و تهیه توشه آن و جستن وسیله رستگاری در آن و اعمال تو همه از برای آن باشد (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۶۰۶/۴).

#### - یاد مرگ و کثرت یاد مرگ

یاد مرگ آثار متعددی دارد، از جمله:

الف) سختی های دنیا را برای انسان آسان می سازد.

«مَنْ صَوَّرَ الْمَوْتَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ هَانَ أَمْرُ الدُّنْيَا عَلَيْهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۶).



ب) باعث بی میلی به دنیا

«مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ قَلَّتْ فِي الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ»

ج) رضایت به اندک و کفاف از دنیا

«مَنْ ذَكَرَ الْمَوْتَ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْيُسْرِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۶۲).

«مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ رَضِيَ مِنَ الدُّنْيَا بِالْكَفَافِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۶).

د) رهایی از مکر دنیا

«مَنْ أَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ نَجَا مِنْ خِدَاعِ الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۶۲).

- میل به نعمت‌های آخرت و مقابله با حرص

شناختن ارزش نعمت‌های اخروی و تمایل یافتن به آنها، نفس را از دنیا طلبی باز می‌دارد. (مولا(ع) می‌فرماید: «مَنْ رَغِبَ فِي نَعِيمِ الْآخِرَةِ قَنَعَ بِبَيْسِيرِ الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۴۷)؛ «هر که رغبت کند در نعمت‌های آخرت، به اندک از دنیا قانع شود».

آن حضرت تصریح دارد هر که بر دنیا حرص ورزد هلاک می‌شود: «مَنْ حَرَصَ عَلَى الدُّنْيَا هَلَكَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۹۴)؛ و اینکه حریص فقیر است هر چند تمامی دنیا را مالک شود: «الْحَرِيصُ فَقِيرٌ وَ لَوْ مَلَكَ الدُّنْيَا بِحَدَافِيرِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۹۵).

- روگردانی از خواهش‌های دنیایی نفس

«ظَفِرَ بِجَنَّةِ الْمَأْوَى مَنْ أَعْرَضَ عَنِ شَهَوَاتِ الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۶۸)؛ «دست یابد به جنة‌المأوی کسی که رو بگرداند از خواهش‌های دنیا». در بعضی نسخه‌ها «زخارف» به جای «شهوآت» آمده و بنابراین ترجمه این است: رو بگرداند از آرایش‌های دنیا، و «جنة‌المأوی» بهشت یا بهشت خاصی است (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۲۷۷/۴).

- روزه از لذت‌های دنیایی

حضرت علی(ع) روزه نفس از لذت‌های دنیا - یعنی امساک و باز ایستادن از آنها - سودمندترین روزه دانسته است: «صَوْمُ النَّفْسِ عَنِ لَذَاتِ الدُّنْيَا أَنْفَعُ الصِّيَامِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۷۶)؛ آقا جمال

خوانساری، ۱۳۶۶: ۲۱۵/۴). این نکته شایسته یادآوری است که روزه -که به منظور تقویت اراده و رشد استعدادهای الهی و قرب به خدای تعالی انجام می‌گیرد- به معنای نگهداشتن و کف نفس از بهره‌مندی از چیزهایی است که لزوماً حرام هم نیستند. براین اساس، روزه از لذت‌های حلال نیز می‌تواند مورد نظر باشد.

### - قناعت، کفایت طلبی و پرهیز از فزون‌طلبی و اکتفا به اندک از دنیا

اساساً قناعت یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با دنیا طلبی نفس است. قناعت به معنای کفایت طلبی و پرهیز از فزون‌طلبی یکی از راهبرهای مولای متقیان برای تعامل درست با دنیا است. ایشان زیادت دنیا را عامل فساد آخرت دانسته: «زِيَادَةُ الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْآخِرَةَ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۳۸) و بر همین اساس اندک‌خواهی و کفایت‌طلبی را توصیه فرموده است: «يَسِيرُ الدُّنْيَا خَيْرٌ مِنْ كَثِيرِهَا وَ بُلْغَتُهَا أَجْدَرُ مِنْ هَلَكَتِهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۶۶)؛ «اندک دنیا، بهتر از بسیار آن است، و قدری از آن که بتوان به آن اکتفا کرد سزاوارتر است از قدری از آن که باعث هلاک شود».

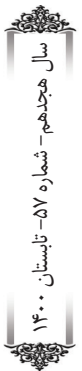
«يَسِيرُ الدُّنْيَا يَكْفِي وَ كَثِيرُهَا يُرِيدِي» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۳۸)؛ «اندک دنیا کافی است و بسیار آن هلاک می‌کند یا می‌اندازد، یعنی در هلاکت یا زیان و خسران» (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۱۱۳/۴).

### - دوراندیشی و عاقبت‌نگری

حزم به معنای دوراندیشی و عاقبت‌نگری یکی از کارکردهای عقل و یکی از ویژگی‌های عاقلان است، چنانکه مولا فرموده است: «الْعَاقِلُ مَنْ سَلَّمَ إِلَى الْقَضَاءِ وَعَمِلَ بِالْحَزْمِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۵۳). آن حضرت بالاترین درجه حزم را از آن کسانی دانسته است که دنیا را خوار و حقیر می‌شمارند: «أَحْزَمُ النَّاسِ مَنْ اسْتَهَانَ بِأَمْرِ دُنْيَاهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۷۹) «دوراندیش‌ترین مردم کسی است که خوار شمارد امور دنیا را».

### - سخا و عطا و جود

لازمه سخاوت و عطا، پیراستگی از حرص و طمع و دل‌بستگی‌های افراطی به امور دنیوی است. مولای متقیان سخاوتمندان را برترین مردم حاضر در دنیا معرفی نموده: «أَفْضَلُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا



الْأَسْخِيَاءُ وَ فِي الْأَخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۷۵). آن حضرت به این مطلب اشاره دارد که با سخاوت و عطا، می توان ابنای دنیا را بنده خود کرد: «مَنْ سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِالْعَطَاءِ اسْتَعْبَدَ أَبْنَاءَ الدُّنْيَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۷۹).

«الْجَوَادُ فِي الدُّنْيَا مَحْمُودٌ وَ فِي الْأَخِرَةِ مَسْعُودٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۷۹): «بخشنده در دنیا ستوده شده و در آخرت نیک بخت است».

### تجمع مراحل کدگذاری داده‌ها

در این بخش، به منظور تلخیص و شفاف‌سازی مراحل کدگذاری، جدول‌های مربوط به کدهای باز و کدهای محوری در قالب یک جدول، ادغام شده و ارائه شده است. این جدول (۱) شامل زیرکدها، کدهای اصلی، روایات مرتبط با آن کد و سایر اطلاعات لازم است که با استفاده از نرم‌افزار «مکس کیودا» استخراج شده است.

جدول (۱) مراحل کدگذاری داده‌های مرتبط با آموزه‌های دین‌شناختی امام علی (ع)

جایگاه	کد باز	کد محوری	کد انتخابی	حوزه	پوشش
۱	الدُّنْيَا فَاثِيَةٌ	فناپذیری	ماهیت دنیا	۲۵	۰.۰۵
۲	عَايَةُ الدُّنْيَا الْفَنَاءُ	فناپذیری	ماهیت دنیا	۲۹	۰.۰۶
۳	الدُّنْيَا مَعْبَرَةٌ الْآخِرَةُ	محل عبور	ماهیت دنیا	۳۲	۰.۰۷
۴	الدُّنْيَا ظِلٌّ زَائِلٌ	سایه‌ای دست‌نیافتنی	ماهیت دنیا	۷۴	۰.۱۵
۵	إِنَّ الدُّنْيَا ظِلُّ الْعَمَامِ وَ حُلْمُ الْمَنَامِ	سایه‌ای دست‌نیافتنی	ماهیت دنیا	۲۴	۰.۰۵
۶	إِنَّمَا الدُّنْيَا مَتَاعٌ أَيَّامٌ قَالِيلٌ ثُمَّ تَزُولُ كَمَا يَزُولُ السَّرَابُ	سرابی زائل‌شونده	ماهیت دنیا	۲۴	۰.۰۵
۷	إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلِهَا	سرای امتحان و ابتلاء	ماهیت دنیا	۸۶	۰.۱۸
۸	الدُّنْيَا دَارُ الْمِحْنِ	سرای امتحان و ابتلاء	ماهیت دنیا	۲۶	۰.۰۵
۹	وَ مَوَاهِبَهَا فِتْنَةٌ	فتنه بودن موهبت‌های دنیایی	ماهیت دنیا	۴۶	۰.۱۰
۱۰	إِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ ... فِي حَالَهَا حِسَابٌ وَ فِي حَزَامِهَا عِقَابٌ	سرای مسئولیت	ماهیت دنیا	۷۶	۰.۱۶

جایگاه	کد باز	کد محوری	کد انتخابی	حوزه	پوشش
۱۱	إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فِجَاجٍ	محل سختی‌ها و مصیبت‌ها	ماهیت دنیا	۳۲	۰.۰۷
۱۲	هِيَ دَارُ حَرْبٍ وَ سَلْبٍ وَ نَهَبٍ وَ عَطَبٍ	محل سختی‌ها و مصیبت‌ها	ماهیت دنیا	۴۷	۰.۱۰
۱۳	لَا تَعْصِمُ الدُّنْيَا مَنْ لَجَأَ إِلَيْهَا	پناهگاهی بی‌پناه	ماهیت دنیا	۴۵	۰.۰۹
۱۴	الدُّنْيَا دَارُ الْغُرَبَاءِ وَ مَوْطِنُ الْأَشْقِيَاءِ	اقامتگاه بدبختان	ماهیت دنیا	۵۶	۰.۱۲
۱۵	خَطَرُ الدُّنْيَا يَسِيرٌ وَ حَاصِلُهَا حَقِيرٌ	کم‌قدر و کم‌ارزش	ماهیت دنیا	۹۲	۰.۱۹
۱۶	إِنَّ الدُّنْيَا غُرُورٌ حَائِلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ سَنَاءٌ مَائِلٌ	تکیه‌گاهی کج‌شده	ماهیت دنیا	۶۸	۰.۱۴
۱۷	الْكَمَالُ فِي الدُّنْيَا مَفْقُودٌ	نیایابی کمال در دنیا	ماهیت دنیا	۳۵	۰.۰۷
۱۸	غَدَاءُ الدُّنْيَا سَمَامٌ وَ أَشْبَابُهَا رِمَامٌ	غیرقابل اعتماد	ماهیت دنیا	۵۰	۰.۱۰
۱۹	الدُّنْيَا مَحَلُّ الْغَيْرِ	متغییر و متغییر	ماهیت دنیا	۲۸	۰.۰۶
۲۰	الدُّنْيَا كَمَا تَجِبُّهُ تَكْسُرُ	سازنده و سوزنده	ماهیت دنیا	۳۴	۰.۰۷
۲۱	إِنَّ الدُّنْيَا عَيْشُهَا قَصِيرٌ	کوتاهی زندگی دنیایی	ماهیت دنیا	۳۴	۰.۰۷
۲۲	أَوْقَاتُ الدُّنْيَا وَ إِن طَالَتْ فَصِيرَةٌ	کوتاهی زندگی دنیایی	ماهیت دنیا	۹۴	۰.۲۰
۲۳	إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ خَبَالٍ وَ وِبَالٍ وَ زَوَالٍ وَ انْتِقَالٍ	محل وبال و زوال و انتقال	ماهیت دنیا	۶۷	۰.۱۴
۲۴	أَبْلَغُ نَاصِحٍ لَكَ الدُّنْيَا لَوْ انْتَصَحْتَ بِمَا تُرِيكَ مِنْ تَغَايِيرِ الْحَالَاتِ	نصیحت‌کننده‌ای بلیغ	دنیای مملوح	۳۳	۰.۰۷
۲۵	مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصَرْتَهُ	ابزاری برای بینا شدن	دنیای مملوح	۷۲	۰.۱۵
۲۶	إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ صِدْقٍ لِمَنْ صَدَقَهَا	سرای راستی برای راست‌بینان	دنیای مملوح	۴۷	۰.۱۰
۲۷	وَ دَارُ عَافِيَةٍ لِمَنْ فَهَمَّ عَنْهَا	دنیا سرای عافیت	دنیای مملوح	۳۷	۰.۰۸
۲۸	وَ دَارُ غِنَى لِمَنْ تَزَوَّدَ مِنْهَا	سرای غنی شدن	دنیای مملوح	۳۶	۰.۰۸
۲۹	وَ دَارُ مَوْعِظَةٍ لِمَنْ انْتَعَزَ بِهَا	سرای پند گرفتن	دنیای مملوح	۳۸	۰.۰۸
۳۰	[إِنَّ الدُّنْيَا] مَسْجِدُ أَحِبَاءِ اللَّهِ	سجده‌گاه محبان خدا	دنیای مملوح	۱۳۸	۰.۲۹
۳۱	[إِنَّ الدُّنْيَا] مَهْبُطٌ وَحَى اللَّهُ	محل نزول وحی	دنیای مملوح	۴۳	۰.۰۹
۳۲	[إِنَّ الدُّنْيَا] مَتَجَرُّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ	تجارتخانه اولیای الهی	دنیای مملوح	۴۸	۰.۱۰
۳۳	وَ رِبْحُوا فِيهَا الْجَنَّةَ	محل بهشتی شدن و کسب بهشت	دنیای مملوح	۶۰	۰.۱۳



جایگاه	کد باز	کد محوری	کد انتخابی	حوزه	پوشش
۳۴	تَزَوَّدُوا مِنَ الدُّنْيَا مَا تَحْوِزُونَ بِهِ أَنْفُسَكُمْ غَدًا وَ خُذُوا مِنَ الْفَنَاءِ لِلْبَقَاءِ	زمینه‌ساز کسب سرای باقی	دنیای مملوح	۱۰۴	۰.۲۲
۳۵	إِنَّمَا الدُّنْيَا شَرَكٌ وَقَعَ فِيهِ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ	دنیا دامی برای جاهلان	دنیای مذموم	۵۹	۰.۱۲
۳۶	إِنَّ الدُّنْيَا لَمَسْغَلَةٌ عَنِ الْآخِرَةِ	اشتغال به دنیا عامل غفلت از آخرت	دنیای مذموم	۴۶	۰.۱۰
۳۷	صَحَّةُ الدُّنْيَا أَشْقَامٌ وَ لَذَائِهَا آلامٌ	آمیختگی خیرها با شرور	دنیای مذموم	۵۰	۰.۱۰
۳۸	الدُّنْيَا سُوقُ الْخُسْرَانِ	بازار خسران	دنیای مذموم	۲۹	۰.۰۶
۳۹	الدُّنْيَا مَصْرَحُ الْعُقُولِ	محل لغزیدن عقل‌ها	دنیای مذموم	۳۰	۰.۰۶
۴۰	الدُّنْيَا مَعْدَنُ الشَّرِّ وَ مَحَلُّ الْغُرُورِ	معدن شر و محل غرور	دنیای مذموم	۵۰	۰.۱۰
۴۱	احْدَرُ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا شَبَكَةُ الشَّيْطَانِ وَ مَفْسَدَةُ الْإِيمَانِ	دام شیطان و مفسده ایمان	دنیای مذموم	۷۷	۰.۱۶
۴۲	طَائِبَهَا يَذَلُّ وَ رَاكِبُهَا يَزَلُّ	دنیاخواهی ملازم با خواری	دنیای مذموم	۴۰	۰.۰۸
۴۳	أَهْلُ الدُّنْيَا غَرَضُ النَّوَائِبِ	اهل دنیا نشانه برای تیرهای بلا	دنیای مذموم	۸۶	۰.۱۸
۴۴	الدُّنْيَا صَفْقَةٌ مَعْبُونٍ وَ الْإِنْسَانُ مَعْبُونٌ بِهَا	خریداران دنیا معبون	دنیای مذموم	۶۱	۰.۱۳
۴۵	إِنَّ الدُّنْيَا ... عَزَّهَا ذُلٌّ وَ جُدَّهَا هَزْلٌ	عز دنیا خواری و جد آن بازی	دنیای مذموم	۱۹۸	۰.۴۱
۴۶	إِنَّ الدُّنْيَا مَعْكُوسَةٌ مَنكُوسَةٌ لِذَاتِهَا تَنْعِيسٌ وَ مَوَاهِبُهَا تَغْصِيبٌ وَ عَيْشُهَا عَنَاءٌ وَ بَقَاؤُهَا فَنَاءٌ	دنیا معکوس و منکوس	دنیای مذموم	۱۳۲	۰.۲۸
۴۷	الدُّنْيَا تُعْوِي	فریبنده و سرای فریب	دنیای مذموم	۱۸	۰.۰۴
۴۸	إِنَّ الدُّنْيَا كَالْحَيَّةِ لَئِنْ مَسَّهَا قَاتَلَتْ سَمُّهَا	فریبنده و سرای فریب	دنیای مذموم	۶۴	۰.۱۳
۴۹	قَدْ تَزَيَّنَتْ الدُّنْيَا بَعْرُورِهَا وَ عَزَّتْ بِزِينَتِهَا	مزخرف	دنیای مذموم	۶۴	۰.۱۳
۵۰	إِنَّ الدُّنْيَا لَا تَقِي لِصَاحِبِ	بی وفا و دائم‌المکر	دنیای مذموم	۱۵۸	۰.۳۳
۵۱	إِنَّ الدُّنْيَا شَدِيدَةُ الْعُدْرِ دَائِمَةُ الْمَكْرِ	بی وفا و دائم‌المکر	دنیای مذموم	۱۰۲	۰.۲۱
۵۲	الدُّنْيَا مَحَلُّ الْأَفَاتِ	محل آفات	دنیای مذموم	۲۷	۰.۰۶
۵۳	إِنَّ الدُّنْيَا تُدْنِي الْأَجَالَ وَ تَبَاعِدُ الْأَمَالَ وَ تُبِيدُ الرِّجَالَ	سرای ناکامی‌ها و ناگواری‌ها	دنیای مذموم	۱۶۵	۰.۳۵
۵۴	إِنَّ الدُّنْيَا تُعْطِي وَ تَرْتَجِعُ وَ تَقَادُ وَ تَمْتَنِعُ	باز پس گیرنده داده‌ها	دنیای مذموم	۱۵۷	۰.۳۳

الگوی مفهومی آموزه‌های دین‌شناختی امام علی (ع) و راهکارهای تعامل با دنیا

جایگاه	کد باز	کد محوری	کد انتخابی	حوزه	پوشش
۵۵	اُرْفُضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا ذَمِيمَةٌ فَقَدْ رَفَضَتْ مَنْ كَانَ اُسْتَعْفَ بِهَا مِنْكُمْ	ترک کننده دوستداران	دنای مذموم	۸۸	۰.۱۸
۵۶	اِنَّ الدُّنْيَا ... سَلَابَةٌ النُّعْمِ اَكْلُهُ اَلْاُمَمِ جَلَابَةٌ النَّعْمِ	متفرق کننده، جداکننده یاران	دنای مذموم	۸۳	۰.۱۷
۵۷	مَنْ اُسْرَفَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا مَاتَ فَقِيْرًا	عاملی برای فقر	دنای مذموم	۵۰	۰.۱۰
۵۸	كُونُوا قَوْمًا عَلِمُوا اَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ بِدَارِهِمْ فَاسْتَبَدَّلُوا	شناخت دنیا	راهکار تعامل با دنیا	۷۸	۰.۱۶
۵۹	الدُّنْيَا سَمٌّ اَكَلَهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ	شناخت دنیا	راهکار تعامل با دنیا	۸۲	۰.۱۹
۶۰	فِي تَصَارِيْفِ الدُّنْيَا اِعْتِبَارًا	عبرت گرفتن	راهکار تعامل با دنیا	۳۶	۰.۰۸
۶۱	مَنْ اَيَّقَنَ بِالْاٰخِرَةِ لَمْ يَحْرِصْ عَلٰى الدُّنْيَا	یقین و تقویت ایمان	راهکار تعامل با دنیا	۵۷	۰.۱۲
۶۲	اُرْفُضُوا هَذِهِ الدُّنْيَا التَّارِكَةَ لَكُمْ	ترک دنیا	راهکار تعامل با دنیا	۱۴۷	۰.۳۱
۶۳	اهْرُبُوا مِنَ الدُّنْيَا وَ اضْرِبُوا قُلُوْبَكُمْ عَنْهَا	گریز و دل کندن از دنیا	راهکار تعامل با دنیا	۸۸	۰.۱۸
۶۴	اِنَّ الدُّنْيَا دَارٌ لَا يُسْلَمُ مِنْهَا اِلَّا بِالزُّهْدِ فِيهَا	زهد و نگاه زاهدانه	راهکار تعامل با دنیا	۷۸	۰.۱۶
۶۵	انظُرْ اِلَى الدُّنْيَا نَظْرَ الرَّاهِدِ الْمَفَارِقِ	زهد و نگاه زاهدانه	راهکار تعامل با دنیا	۸۳	۰.۱۹
۶۶	فَاعْرِضْ عَنْهَا قَبْلَ اَنْ تُعْرِضَ عَنْكَ	روگردانی از دنیا	راهکار تعامل با دنیا	۴۷	۰.۱۰
۶۷	اِذَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا شَيْءٌ فَلَا تَحْزَنْ	غصه نخوردن برای مافات دنیا	راهکار تعامل با دنیا	۵۲	۰.۱۱
۶۸	اَعْظَمُ الْخَطَايَا حُبُّ الدُّنْيَا	پرهیز از حب دنیا	راهکار تعامل با دنیا	۳۷	۰.۰۸
۶۹	لَا تُتَافَسِ فِي مَوَاهِبِ الدُّنْيَا	رقابت نکردن در کسب دنیا	راهکار تعامل با دنیا	۶۹	۰.۱۴
۷۰	مَنْ اَكْثَرَ مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ قَلَّتْ فِي الدُّنْيَا رَغْبَتُهُ	یاد مرگ و کثرت یاد مرگ	راهکار تعامل با دنیا	۷۳	۰.۱۵

جایگاه	کد باز	کد محوری	کد انتخابی	حوزه	پوشش
۷۱	مَنْ رَغِبَ فِي نَعِيمِ الْآخِرَةِ قَنَعَ بِسِيرِ الدُّنْيَا	میل به نعمت‌های آخرت	راهکار تعامل با دنیا	۶۲	۰.۱۳
۷۲	ظَفَرَ بَجَنَّهُ الْمَأْوَى مَنْ أَعْرَضَ عَن شَهَوَاتِ الدُّنْيَا	روگردانی از هواهای نفس	راهکار تعامل با دنیا	۶۷	۰.۱۴
۷۳	صَوْمُ النَّفْسِ عَن لَذَاتِ الدُّنْيَا أَنْفَعُ الصَّيَامِ	روزه از لذت‌های دنیایی	راهکار تعامل با دنیا	۶۱	۰.۱۳
۷۴	زِيَادَةُ الدُّنْيَا تُفْسِدُ الْآخِرَةَ	قناعت، کفایت طلبی	راهکار تعامل با دنیا	۴۰	۰.۰۸
۷۵	يَسِيرُ الدُّنْيَا يَكْفِي وَ كَثِيرُهَا يُرْدِي	قناعت، کفایت طلبی	راهکار تعامل با دنیا	۵۸	۰.۱۱
۷۶	أَحْزَمُ النَّاسِ مَنِ اسْتَهَانَ بِأَمْرِ دُنْيَاهُ	دوراندیشی و عاقبت‌نگری	راهکار تعامل با دنیا	۶۱	۰.۱۳
۷۷	أَفْضَلُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَسْخِيَاءُ	سخا و عطا و جود	راهکار تعامل با دنیا	۸۰	۰.۱۷

## الگوی مفهومی تحقیق

مبتنی بر داده‌های گردآوری شده و انجام مراحل کدگذاری، الگوی مفهومی آموزه‌های دنیاشناختی امام علی (ع) به شرح زیر قابل ارائه است:

الگوی مفاهیم معنوی در آموزه‌های دین‌شناختی امیر مؤمنان علی(ع)			
راهکارها	دنیای مذموم	دنیای ممدوح	ماهیت دنیا
شناخت دنیا	دامی برای جاهلان	نصیحت‌کننده‌ای بلیغ	فتاپذیری
عبرت‌گرفتن	مشغولیت به دنیا عامل غفلت	بیناکننده	محل عبور
یقین و تقویت ایمان	آمیختگی محبرها با شرور	سرای راستی	سایه‌ای دست‌نیافتنی
ترک دنیا	بازار خسران	سرای عافیت	سرابی زائل‌شونده
گریز و دل‌کندن از دنیا	معدن شر و محل غرور	سرای غنی شدن	سرای امتحان و ابتلاء
زهد و نگاه زاهدانه	دام شیطان و مفسده‌ایمان	سرای پندگرفتن	فته‌بودن موهبت‌های دنیایی
روگردانی از دنیا	دنیاخواهی ملازم با خواری	محل سجده‌محبان خدا	سرای مسئولیت
قصه‌نخوردن برای ماقات دنیا	اهل دنیا نشئه برای تیرهای بلا	نمازخانه فرشتگان	محل سختی‌ها و مصیبت‌ها
پرهیز از حب دنیا	عز دنیا خواری و جفا آن بازی	محل نزول وحی	پناهگاهی بی‌پناه
رقبت نکردن در کسب دنیا	معکوس و منکوس	تجارخانه اولیای الهی	اقامتگاه بدبختان
یاد مرگ و کثرت یاد مرگ	فریبنده و سرای فریب	محل بهشتی شدن	کم‌قدر و کم‌ارزش
بیل به نعمت‌های آخرت	مزخرف	محل کسب بهشت	تکیه‌گاهی کج‌شده
روگردانی از هواهای نفس	بی‌وفا و دائم‌المکر	زینت‌ساز کسب‌سرای باقی	نایابی کمال در دنیا
روزه از لذت‌های دنیایی	محل آفات		غیرقابل اعتماد
فناعت، کفایت‌طلبی	سرای ناکامی‌ها و ناگواری‌ها		متغیر و متغیر
دوران‌دیشی و عاقبت‌نگری	بازپس‌گیرنده داده‌ها		کوتاهی زندگی دنیایی
سخا و عطا و وجود	مغری‌کننده، جداکننده باران		محل وبال و زوال و انقراض

سال هجدهم - شماره ۵۷ - تابستان ۱۴۰۰



## بحث و نتیجه گیری

در کلام مولای متقیان علی(ع) واقعیت و حقیقت دنیا به طور کامل تبیین شده است. بررسی بیانات ایشان در مورد دنیا نشان داد که الگوی مفهومی آموزه‌های آن حضرت، در چهار محور اصلی، قابل ترسیم است که عبارت‌اند از: (۱) ماهیت‌شناسی دنیا؛ (۲) معرفی دنیای ممدوح؛ (۳) معرفی دنیای مذموم؛ (۴) ارائه راهکارهای مقابله با دنیا و اتخاذ رویکردی درست نسبت به آن.

باز با تأملی عمیق‌تر در این محورهای اصلی، روشن می‌شود که «شناساندن حقیقت دنیا» بنیان اصلی همه آموزه‌های علوی در مورد دنیا را تشکیل می‌دهد که این تعلیم گاه در قالب گزاره‌های خبری و گاه در قالب گزاره‌های انشایی و گاه در قالب تمثیل و استعاره بیان شده است. تحلیل محتوای «راهکارهای تعامل با دنیا» نیز نشان می‌دهد که بیشترین تأکید آن حضرت، بر فهم و درک و شناخت حقیقت دنیا بوده است؛ در واقع بر اساس کلام امیر(ع) بدون شناخت دنیا، انسان گرفتار شرور آن می‌شود و تنها کسانی می‌توانند رویکردی درست نسبت به دنیا داشته باشند که واقعیت و حقیقت دنیا را بشناسند. در واقع ریشه همه مشکلات در «جهل بسیط» یا «جهل مرکب» نسبت به دنیا است؛ بدین معنی که یا نمی‌داند و یا اینکه نمی‌داند که نمی‌داند. البته شاید هوای نفس آدمی نیز به‌عنوان عاملی برای گرفتاری در دام دنیا مطرح شود، اما به نظر می‌رسد حتی تسلط هواهای نفسانی بر اقلیم وجود انسان نیز، محصول جهل و تعقل نکردن است.

نکته مهم دیگر که از بیانات مولای(ع) برمی‌آید، این است که دنیا پیش از آنکه مذموم باشد ممدوح است، زیرا مخلوق خدای رحمان و رحیم و صادرشده از خیر مطلق است. این دنیا بسیار ارزشمند است زیرا میدان رشد انسان است و فرصت بهشتی شدن و کسب بهشت را به او می‌دهد؛ این دنیای فانی زمینه و بستر کسب سرای باقی را فراهم می‌سازد و استفاده نکردن از این تجارخانه اولیای الهی و فرصت طلایی، خسروانی عظیم است که ریشه در جهل و نشناختن آن دارد. دنیا همان محلی است که مخلوقات نیاز دارند تا سیر صعود و تعالی خود را پیمایند.

در واقع هیچ‌کدام از مخلوقات الهی بد نیستند، بلکه این نحوه تعامل انسان با دنیا و نوع رویکرد وی نسبت به آن و نوع استفاده او از آن است که یک چیز خوب را، به یک چیز بد تبدیل می‌کند.

ساده‌ترین مثالش همان مثال چاقو در دست جراح یا در دست قاتل است؛ یکی با چاقو غده‌های سرطانی و ضایعات را برمی‌کند و زندگی می‌سازد که پیامدش ثواب و پاداش است اما دیگری با همان چاقو زندگی می‌گیرد و مرگ می‌سازد که پیامدش کیفر و عقاب است.

بر این اساس نمی‌توان گفت که دنیا دو وجه دارد: یک روی ممدوح و یک روی مذموم؛ بلکه باید گفته شود دنیا یک رو دارد و این ما انسان‌ها هستیم که این دنیا را در جهت درست استفاده می‌کنیم (دنیای ممدوح) یا در جهت نادرست (دنیای مذموم). دنیا همواره از حال و ماهیت خود خبر می‌دهد و همیشه بر اساس قواعد و رسوم مشخصی پیش رفته و می‌رود؛ به تعبیر دیگر، دنیا همانگونه هست که تاکنون بوده است و همانگونه پیش خواهد رفت که تاکنون رفته است. در این میان باید از دریچهٔ عقل نگریست تا ماهیت و حقیقت دنیا دیده شود. چنانکه در قرآن کریم آمده است:

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (أنعام، ۱۱)

«قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل، ۶۹)

برای انسان عاقل و کسی که برخوردار از دیدهٔ عبرت‌بین باشد، اکنون و آیندهٔ دنیا از ماضی و گذشتهٔ آن قابل‌پیش‌بینی است؛ بر همین اساس مولای متقیان نیز می‌فرماید: «كَفَىٰ مُخْبِرًا عَمَّا بَقِيَ مِنَ الدُّنْيَا مَا مَضَىٰ مِنْهَا» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۲) «آنچه از دنیا گذشته، برای خبر دادن از آنچه باقی مانده، کافی است». آن حضرت اشاره می‌کند که هرآینه دنیا از برای شما پرده‌ها را برداشته، و بر همگان به تساوی وضع خود اعلام کرده است: «لَقَدْ كَاشَفْتُمْكَمُ الدُّنْيَا الْغَطَاءَ وَ أَدْنَيْتُمْكُمْ [أَدْنَيْتُمْكُمْ] عَلَىٰ سَوَاءٍ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۱۳۲).

حضرت علی (ع) در جمله‌ای در غایت فصاحت و بلاغت به هر دو جنبهٔ دنیا اشاره فرموده است: «مَنْ أَبْصَرَ بِهَا بَصْرَتَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَتَهُ» (نهج‌البلاغه، ۱۴: ۱۰۶) یعنی «کسی که با آن بنگرد [دنیا] او را بینا کند، و آن کس که به آن بنگرد، [دنیا] او را کور سازد».

مولا علی (ع) در این کلام معجز به دو کارکرد دنیا و همچنین به دو رویکرد آدمیان نسبت به آن، اشاره فرموده است، اینکه: هر کس دنیا را ابزار و وسیلهٔ دیدن قرار دهد، همین دنیا موجب بینایی او می‌شود؛ اما کسی که دنیا را هدف خود قرار دهد و نگاه به آن دوزد، همین دنیا او را کور می‌کند؛

درست مانند خورشید؛ همچنانکه هر کس خورشید را ابزار و وسیله دیدن قرار دهد، نور آن موجب بینایی او می‌شود؛ اما کسی که به خورشید بنگرد و چشم به آن دوزد، همان خورشیدی که مایه بینایی بود، این بار عامل کوری ناظر می‌شود.

با رویکردی نامناسب نسبت به دنیا و عواملی مانند: عدم تعقل، پیروی از هواهای نفسانی، غفلت و سهل‌انگاری ... دنیا می‌تواند برای انسان عاملی برای سقوط و هبوط گردد. امام علی (ع) بارها این مضمون را مطرح می‌فرماید که دنیا نمی‌تواند تو را فریب دهد بلکه این تو هستی که خود را فریب می‌دهی یا اجازه فریب خوردن را به خود می‌دهی: «وَحَقًّا أَقُولُ مَا لِدُنْيَا عُزَّتْكَ وَلَكِنْ بِهَا اغْتَرَّتْ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق: ۳۴۵). در واقع شاید بتوان گفت که هم فاعل فریب و هم مفعول فریب، خود انسان است، از این رو در دادگاه الهی نمی‌تواند دنیا را محکوم کند. با این مقدمه در ادامه سخن به برخی از ویژگی‌های وجه مذموم دنیا اشاره می‌شود:

آن حضرت در جای دیگر فرموده است: «اگر دنیا را از روی مناطق خراب‌شده و خانه‌های خالی مانده بشناسی، با پند نیکویی که به تو می‌دهد و موعظه رسایی که به گوش تو می‌رساند، آن را همچون دوست مهربانی خواهی یافت که از رسیدن زیان و ضرر به شخص تو به شدت خودداری می‌کند؛ دنیا سرای خوبی است برای آن که آن را خانه خود نداند و محل نیکویی است برای کسی که آن را به عنوان وطن انتخاب ننماید» (نهج البلاغه، ۱۳۸۸: ۳۳۱).

الگوی

مفهومی

آموزه‌های

دین‌شناسی

تعمیل با

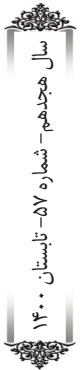
دین

امام

علی (ع)

### محدودیت‌های تحقیق

کم بودن توان ادراک نویسندگان در برابر عظمت کلام امیر مؤمنان، اصلی‌ترین محدودیت این تحقیق است. در مرحله فیش‌برداری با دریای بیکران معارف و آموزه‌های مولای متقیان علی (ع) مواجه شدیم که جمع‌آوری و تلخیص آنها در قالب صفحات محدود یک مقاله علمی، غیرممکن به نظر می‌رسید؛ اگرچه با توکل و توسل کار به سامان رسید، ولی ما در میان همه چیزهایی که نمی‌دانیم، این مطلب را به طور قطع و با اطمینان کامل می‌دانیم که قطره‌ای از دریا را به چنگ آورده و به محبان آن حضرت تقدیم کرده‌ایم.



## منابع

- ۱- قرآن کریم. ترجمه حسین انصاریان، قم: اسوه، ۱۳۸۳.
- ۲- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: شاهد، ۱۳۸۶.
- ۳- نهج البلاغه. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۸). ترجمه حسین انصاریان، قم: دارالعرفان.
- ۴- نهج البلاغه، شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). به کوشش صبحی صالح، قم: هجرت.
- ۵- آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶). شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ۷ جلدی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- ۶- بستانی، فواد افرام و رضا مهیار (۱۳۷۵)، فرهنگ/بجایی، تهران: اسلامی، چاپ دوم.
- ۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات.
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، به کوشش صفوان عدنان داوودی، بیروت: دار الشامیه.
- ۹- سهرابی، حیدر و محمد عبدالرحیمی (۱۳۹۸). مبانی، ملاکها و راهکارهای «تعالی معنوی» بر اساس قرآن کریم. فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی، سال ۱۶، شماره ۴۹، صص ۶۳-۸۷.
- ۱۰- عبدالرحیمی، محمد (۱۳۹۹). ریشه‌یابی بیماری «تکبر» بر اساس آیات و روایات. فصلنامه پژوهشنامه اخلاق، سال ۱۳، شماره ۴۷، صص ۷۳-۱۰۲.
- ۱۱- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. ۹ جلدی. قم: نشر هجرت.
- ۱۲- قادری بی‌باک، مه‌ری و سید اکبر غضنفری و محمد جنتی‌فر (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل استعاره‌های شناختی نهج البلاغه در حوزه دنیا و آخرت. پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۵۶، صص ۸۵-۱۰۸.
- ۱۳- قائمی، مرتضی و مهدی مسبوق، و حسین بیات (۱۳۹۰). بررسی تصویر استعارای دنیا در خطبه‌های نهج البلاغه. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال هشتم، شماره ۱۵ صص ۱۰۹-۱۴۰.
- ۱۴- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- ۱۵- مظفر، محمد رضا (۱۳۸۷). منطقی. ترجمه و اضافات علی شیروانی، دو جلدی، قم: دارالعلم، چاپ ۱۸.

- ۱۶- میرزاحمد، علی رضا (۱۳۹۱). پژوهش نامه علوی، سال سوم، شماره ۲، صص ۱۲۵-۱۴۰.
- ۱۷- هدائی، علیرضا و مصطفی هدائی (۱۳۹۵). دنیا و آمادگی برای مرگ از دیدگاه امیرالمومنین علیه السلام. پژوهش های قرآن و حدیث، سال چهل و نهم، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۶۱.

18 - Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory. (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.

